

وزارت معارف

معینیت انکشاف نصاب تعلیمی و تربیه معلم

ریاست عمومی تربیه معلم

مواد آموزشی برای مطالعه معلمان و سرمعلمان

بهار ۱۳۹۹

بسم الله الرحمن الرحيم

وزارت معارف

معینیت انکشاف نصاب تعلیمی و تربیه معلم

ریاست عمومی تربیه معلم

مواد آموزشی برای مطالعه معلمان و سرمعلمان

تدقیق کننده گان: شوونمل گلاجان صدیقی و شووندوی عبدالحق رحمتی

پیام

اخیراً شیوع ویروس کرونا (کوید۱۹) باعث نگرانی جهانی گردیده است؛ دولت جمهوری اسلامی افغانستان به منظور جلوگیری از سرایت این ویروس تدابیر جدی وقایوی را روی دست گرفته است که از جمله تعطیل مکاتب و نهادهای آموزشی می باشد. با این حال، وزارت معارف مبتنی بر مکلفیت وظیفوی خویش طرح های بدیل را به منظور فراهم نمودن تعلیم و تربیه برای شاگردان، معلمان و مدیران مکاتب انکشاف داده است.

انکشاف مسلکی متداوم معلمان و مدیران یکی از وظایف عمده وزارت معارف است که در شرایط عادی با تدویر آموزش‌ها و دیگر فعالیت های حمایوی صورت می گیرد، اما در شرایط کنونی برای فراهم نمودن آن نیاز به جد و جهد زیاد است که باید از طرف وزارت معارف، معلمان و مدیران دریغ نشود؛ یکی از شیوه های ابتکاری انکشاف مسلکی، مطالعۀ نظام‌مند مواد آموزشی خودخوان است.

مواد آموزشی پروگرام خودآموز که متشکل از رهنمود مطالعه، دستورالعمل ارزیابی مؤثریت مطالعه و مواد خودخوان است، طوری انکشاف یافته است که معلمان، سرمعلمان و مدیران می توانند با مطالعه منظم آن، دانش مسلکی را کسب نموده و قابلیت‌های عمومی و مسلکی مرتبط به وظیفه شان‌را رشد دهند.

با تشکر از حمات افرادی که این مواد آموزشی را تهیه نموده است، از معلمان، سرمعلمان و مدیران انتظار می رود که با استفاده از فرصت تعطیلی های موجود از طریق مطالعۀ این مواد آموزشی و سایر منابع و موادآموزشی قابل دسترس محدوده دانش مسلکی و تخصصی شان را وسعت بخشند تا در آینده بتوانند زمینۀ یاددهی ویادگیری مؤثر را برای شاگردان عزیز فراهم نمایند.

دکتر محمد میرویس بلخی

سرپرست وزارت معارف

فهرست محتویات

راهنمود مطالعه و ارزیابی دوره خودآموزی معلمان و مدیران

این رهنمود به منظور ارتقای کمی و کیفی پروسه خودآموزی و افزایش نتایج آن تهیه گردیده است و به استحضار معلمان و مدیران محترم رسانیده می شود تا با استفاده از فرصت تعطیلی که غرض جلوگیری از گسترش ویروس کرونا مساعد گردیده است، حین مطالعه دستورالعمل زیر را عملی نموده و آمادۀ ارزیابی نتایج مطالعۀ شان باشند.

هدف

انکشاف مسلکی معلمان، سرمعلمان و مدیران مکاتب با استفاده از زمان تعطیلی مکاتب از طریق مطالعه کتب/ مواد آموزشی به شیوه خود آموز.

محتویات مواد مطالعۀ معلمان و سرمعلمان

کتاب/ مواد آموزشی که از طرف وزارت معارف جهت خودآموزی شما مناسب دیده شده و مطالعۀ آن اجباری است شامل موضوعات چون: پیداگوژی، شناخت ومراحل رشد طبیعی شاگرد، چگونگی تهیه مواد ممد درسی، چگونگی تنظیم صنف، چگونگی تهیه پلان درسی، انواع ارزیابی،می شود.

محتویات مواد مطالعۀ مدیران

مواد آموزشی که جهت خودآموزی مدیران تدارک دیده شده و مطالعۀ آن اجباری است شامل موضوعات چون: چگونگی پلانگذاری برای بهبود مکتب، چگونگی ارزیابی عملکرد شغلی معلمان، شیوه های مناسب نظارت و ارزیابی تدریس معلمان، چگونگی سهیم ساختن والدین در مکتب، چگونگی سهیم ساختن جامعه در مکتب، چگونگی تهیه پلان در حالت اضطرار، کاهش استرس، مدیریت زمان، چگونگی انکشاف مسلکی معلمان، چگونگی تشکیل تیم ها و ....، می شود.

دستورالعمل‌های الزامی

1- کتاب/ مواد مطالعه را از آمریت معارف ولسوالی/حوزه تعلیمی مربوطه دریافت نمایید.
2- بعد از ختم کتاب/ مواد مطالعه، پلان درسی ساعتوار همه موضوعات مضامینی را که تدریس می کنید، تهیه نمایید، بعد از ختم تعطیلی مکاتب، اعضای نظارت تعلیمی/ استادان تربیه معلم پلان های تهیه شده را مورد ارزیابی قرار میدهد.

3- به منظور مکافات در نظر است که مؤثریت مطالعۀ دوره تعطیلی شما مورد ارزیابی قرار گیرد، لذا مواد موردنظر را طور مطالعه نمایید که آماده‌گی کامل را برای سپری نمودن ارزیابی داشته باشید.

4- در جریان تعطیلی مکاتب سعی کنید که همه مضامین را که تدریس می کنید به صورت مؤثر مطالعه نموده، نکات مغلق و مبهم آنرا یادداشت برداری نمایید تا برویت آن بعد از تعطیلی برای شما زمینه آموزش‌های کوتاه‌مدت فراهم شود. (اعضای نظارت تعلیمی پیشنهادات آموزشی شما را جمعاوری می نمایند)

5- گزارش تفصیلی مطالعۀ خویش را طی یک مقاله بنویسید و در آغاز دروس مکاتب به اعضای نظارت تعلیمی مربوطه تسلیم نمایید.

رهنمودهای مطالعۀ بهتر

1) هدف مطالعۀ خود را واضح نمایید و برای رسیدن به آن از نظر زمانی، مکانی و موضوعی پلانگذاری کنید.

2) سعی کنید در برخورد با موضوع مورد مطالعه، قبل از مطالعه، دقایقی را به طرح سوال‌های گوناگون و اندیشیدن در بارۀ موضوع موردنظر بپردازید.

3) از نکات مهم و جالب موضوع مورد مطالعه یادداشت برداری کنید و آنرا به طور منظم طبقه بندی نمایید تا در ختم مواد مطالعه بتوانید در مورد آن مقاله بنویسید.

4) حین مطالعه برای مرور بعدی، زیر بعضی از مطالب مهم با پنسیل خط افقی بکشید یا خلاصه آنرا یادداشت کنید.

5) به منظور حفظ تمرکز حواس، محیط آرام را برای مطالعه برگزنید.

6) سعی کنید زمانی که با نشاط و شاداب هستید و می توانید تمرکز حواس داشته باشید مطالعه کنید.

7) زود تمام کردن مطالعۀ کتاب، هدف نیست، بلکه خوب تمام کردن کتاب یا خواندن کتاب مورد نظر است.

8) اگر معنای کلمه یا جمله‌ای را نفهمیدید، از آن به راحتی نگذرید، بلکه آن کلمه یا جمله را روی کاغذ جداگانه یادداشت کنید تا پس از مطالعه، معنای آنرا در فرهنگ لغات پیدا کنید یا از استاد تربیه معلم/اعضای نظارت بپرسید.

9) سعی کنید همه قسمت‌های کتاب، اعم از تصاویر، چارت‌ها، جدول‌ها، خلاصه فصل ها و نظایر آنرا پس از خواندن متن کتاب، مورد مطالعه و ملاحظه قرار دهید، زیرا این قسمت ها برای تسهیل فهم مطالب کتاب در نظر گرفته می شود.

10) به منظور کاهش از خسته شدن و جلوگیری زیان‌های ناشی از مطالعه نادرست، فاصلهٔ کتاب با چشمان شما باید در حد معینی باشد (حدود بیست و پنج سانتی متر)، لذا هرگز موقع کتاب خواندن سر خود را روی کتاب خم نکنید،هم‌چنین باید در جای ثابتی قرار گیرید.

11) حین مطالعه یک موضوع در مورد تطبیق عملی آن فکر کنید.

12) در صورت امکان سعی کنید در بارهٔ مطالب مورد مطالعه، با همکاران یا دوستان علاقمند به بحث و گفتگو بپردازید، تا بدین ترتیب، مطالب مورد نظر در ذهن شما بیش‌تر جایگزین شود.

دستورالعمل ارزیابی

ارزیابی دورهٔ خودآموزی معلمان، سر معلمان و مدیران مبتنی بر شواهد یا بهبود در عملکرد وظیفوی شما خواهد بود که مکانیسم آن در این دستورالعمل توضیح گردیده است.

1. معلمان و سرمعلمان در اخیر هر هفتهٔ کاری گزارش تحریری پیشرفت خودآموزی شان‌را به اداره مربوطه با درنظرداشت توصیه‌های صحی وزارت صحت عامه تسلیم نمایند، مدیر/ آمر مکتب گزارش پیشرفت خود و کارکنان آموزشی مربوطه را طور منظم به اعضای نظارت تعلیمی مربوطه تسلیمی بدهند.
2. اشترک هر معلم، سرمعلم و مدیر مکتب در ارزیابی اخیر دوره خودآموزی که به شکل تحریری با سوال‌های عینی (چند گزینه‌ای) خواهد بود، الزامیست، شخصی که بدون عذر موجه در ارزیابی حاضر نگردد از مکافات مورد نظر محروم خواهد شد.
3. نوشتن گزارش نهایی از مواد مطالعه خودخوان (شامل آموخته‌ها و پیشنهادات) دوره خودآموزی برای هر معلم، سرمعلم و مدیر مکتب الزامی بوده و منحیث سند شواهد پیشرفت آموزشی/ رشد مسلکی در ارزیابی شمرده می شود.
4. طرح و تهیه منظم و مشرح پلان درسی ساعتوار مضمونی برای هر معلم الزامی بوده و منحیث شواهد ارزیابی محسوب می‌شود.
5. تهیه گزارش از مطالعه مضامینی که تدریس می‌کنید (چالش‌ها و مسایل که با آنها مواجه هستید که جزء نیازهای آموزشی شما محسوب می‌شود) الزامیست و جزء شواهد خودآموزی در ارزیابی شمرده می‌شود.

6. تسلیمی گزارش مطالعه مواد خودخوان(کتاب مطالعه معلم، سرمعلم)، گزارش مطالعه مضامینی که تدریس می‌کنید و دوسیه پلان‌های درسی ساعتوار مضمونی برای تایید به عضو نظارت تعلیمی مربوطه و یا استاد تربیه معلم حتمی است.
7. مدیر/ آمر مکتب مسؤولیت هماهنگی و مدیریت دوره خودآموزی را در سطح مکتب به عهده دارد.

پیداگوژی

دانش، مهارت ها و طرز تلقي (ذهنیت)

برای تدریس مؤثر سه اصطلاح ذیل اهمیت خیلی زیاد دارد:

1- دانش

2- مهارت

3- ذهنیت

1- **دانش:** شناخت حقایق، فهمیدن نظریات و مفاهیم است. مثال: شناخت نام پادشاهان افغان یا نام پایتخت های کشور های گوناگون، حقایق اند. اگر این نوع دانش در باره نظریه های عمومی مفاهیم باشد، مثلا: دانش دلایل شب و روز، دانش فرق بین اسم و فعل از دستورزبان، این نوع دانش معلومات ساده نه، بلکه مفاهیم می باشد.

2- **مهارت:** قابلیت انجام یک کار است. مهارت ها به دو نوع مهم می باشد.

1) **مهارت های فزیکی:** مثلاً در مورد ریاضی در رابطه به موضوع شمارش، قابلیت نوشتن یک مقاله خوب و قابلیت بحث منطقی در باره یک موضوع.

2) **مهارت های ذهنی که شامل:**

- تفکیک کردن
- گروه بندی کردن
- مقایسه کردن
- تحلیل کردن
- نتیجه گیری کردن
- قضاوت نمودن

طرزتلقی: احساس در باره مسایل مهم معنی دارد. به گونه مثال، ادب و همکاری عبارت است از طرزتلقی، هم چنان، تحمل، دقت، حساسیت در باره احساسات دیگران، احترام بزرگان، شفقت در برابر شاگردان هم نماینده گی از طرز تلقی می کند.

تعلیم و تربیه خوب به شاگردان کمک می کند که این سه (علم یا دانش، مهارت ها و ابعاد ذهنیت های آن ها رشد یابد).

اهداف تعلیم وتربیه

محو فقر، اجتماعی شدن و انتقال ارزشها از جمله مهم ترین اهداف تعلیم و تربیه می باشد. طوری پنداشته می شود که تعلیم و تربیه موجب پیشرفت اجتماعی خواهد شد و به این وسیله در امر نابودی فقر کمک می کند. معنای تعلیم یافته بودن یک فرد آنست که تولید اقتصادی آن بلند برود و شایسته گی های اجتماعی در وی پیدا شود. به طور عموم، تعلیم و تربیه تدریس خواندن، نوشتن و حساب کردن را برای نسل جوان ایجاب می کند. هم چنان، آن ها باید مطابق معیار های اخلاقی عمل کنند و در رشد اقتصادی جامعه سهم بگیرند.

اهداف تعلیمی و تربیتی یک ملت را می توان به کتگوری ها و انواع ذیل تنظیم کرد:

- اهدافی که به فرهنگ و دین یک کشور تعلق بگیرد.
- اهدافی که به پیشرفت ملی مربوط باشد.
- اهدافی که به رشد مهارت ها و استعداد های یک فرد مربوط باشد.
- اهدافی که به رشد خانواده و مردم ارتباط گیرد.

یک تعداد نظریه های دیگری برای همه در مورد اهداف تعلیم و تربیه و جود دارد که ذیلاً بیان می گردد:

- دانش درباره ارزش های دینی یک کشور.
- تربیه کارمندان ماهر و مسلکی به منظور پیشرفت اقتصاد ملی.
- رشد ارزش های اخلاقی شاگردان، طوری که یک جامعه مرفه را ایجاد کنند.
- پیشرفت کشور توسط منابع بشری.
- تقویه همبستگی و هویت ملی.

ابعاد گوناگون آموزش در مکاتب قرار ذیل است:

- آموزش مهارت های مفید(خواندن، نوشتن و حساب کردن) تا شاگردان قادر شوند که از آن ها در زنده گی خود استفاده کنند چون آموزش تنها آموختن کتب درسی مکتب أموزش نمی باشد.
- همکاری با شاگردان که با استفاده از مهارت های خواندن و نوشتن، معلومات و مهارت های جدید را حاصل نمایند.
- نظریات خود را به مردم بتوانند بیان کنند.
- کمک به شاگردان تا که آن ها افراد مبتکر، تحلیل کننده و کنجکاو به بار آیند.
- بحث در باره نظریات و موضوعات و گوش گرفتن به گفته ها و صحبت های دیگران.

- فکر کردن در باره موضوعات و تحلیل آن ها و هم چنان آموزش طریقه های حل مشکلات.
- کمک با شاگردان تا آن ها بیاموزند که تبلیغات را از حقایق می توانند جدا کنند.
- آموزش در باره محیط، جامعه، ملت، دنیا، مردم و دیگران.
- آموزش در مورد صحت، صلح، صبر، تحمل و عدالت.
- آموزش دین و فرهنگ خود.
- آموزش پیرامون دین و فرهنگ مردمان و کشور های دیگر.

این نکته مهم است که تعلیم و تربیه تنها حفظ کردن اوراق کتاب نه بلکه چیز ی بشتر از آن است.

آموزش چه معنی دارد؟

برای آموزش تعریف های زیاد موجود است، مگر به منظور تدریس می توان گفت که: یک شاگرد در سه حالت میتواند بیشتر یاد بگیرد.

1- شاگرد به مفهوم، مهارت و طرز تلقی بفهمد.

2- مهارت و طرزتلقی را به ذهن سپرده (یاد گرفته) باشد.

3- شاگرد بتواند که از آموزش خود در جای دیگر کار بگیرد.

پس باید آموزش = فهمیدن+ به ذهن سپردن (یاد کردن) + کار گرفتن.

وقتی که شاگردان درس ها را از اوراق کتاب نقل می کنند یا آن را تکرار می نمایند، تنها یکی از این سه جز را به سر رسانیده اند یعنی آن ها مفاهیم را به ذهن سپرده اند و این حالت آموزش کامل نیست. پس وظیفه یک معلم آن است که در صنف چنان فعالیت های درسی را در نظر گیرد که شاگردان بتوانند هر سه عملیه مذکور را انجام بدهند: فهمیدن، یاد کردن (حفظ کردن) و عملی کردن. نقل کردن از کتاب و حفظ کردن هم در جای خود کار خوب می باشد اما چیز های را که به این ترتیب می آموزیم؛ مفهوم آنرا نفهمیده و یک کار بی ارزش را انجام داده ایم؛ اگر از دانش یا علم کار گرفته نشود، حفظ کردن آن نیز کار بی ارزش است.

آموزش فعال و روش تدریس عنعنوی

طوریکه در درس اول بحث کردیم، هر شاگرد قابلیت آموزش را دارد مگر به طریقه های مختلف و شاگردان از لحاظ قابلیت های آموزشی از همدیگر تفاوت دارند. در مباحث گذشته به این نکته هم اشاره به عمل آمد که آموزش وقتی خوب صورت می گیرد. که شاگردان به آن بفهمند و از آن کار گرفته بتوانند و تنها حفظ کردن، آموزش کامل به حساب نمی رود.

برای آن که شاگردان این نوع آموزش را کسب نمایند، تنها خواندن و نوشتن کتاب کافی نمی باشد. آن ها باید فعالیت های را نیزاجرا نمایند. از فواید اجرای فعالیت ها آنست که شاگردان در این جریان تنها فکر نمی کنند، بلکه از لحاظ جسمی هم فعال می باشند. این کار از یک طرف آن ها را به آموزش بهتر تحریک می کند و از طرف دیگر سهولت های آموزش به مدت کوتاه برای آن ها برابر می شوند. اگر معلم برای شاگردان معلومات و درس جدید را بیان کند و یا از شاگردان تقاضا نماید که درس را از اول کتاب بخوانند. در این صورت شاگردان غیر متحرک خواهند بود. هرگاه شاگردان تنها از معلم نه بلکه از یکدیگر خود هم بیاموزند، در روند تدریس برای چنین آموزش باید فعالیت های وجود داشته باشد که زمینه آموزش شاگردان از یکدیگر مساعد گردد. شاگردان از لحاظ قابلیت های یادگیری از یکدیگر خود فرق دارند. پس در تدریس باید چنان فعالیت ها موجود باشد که برای تمام شاگردان فرصت داده شود که در آن سهم بگیرند و چیزی بیاموزند.

تدریس بالعموم از روی کتاب های درسی صورت می گیرد و معلمان به طور عنعنوی محتوی و عنوان ها را تعقیب می کنند. گاه گاهی وضع چنین می باشد که شاگردان برای درس جدید آماده نمی باشند، یعنی آن ها برای معلومات و دانش دیگر لازم نمی داشته باشند تا درس جدید را بفهمند. برای رسیدن به این هدف معلم باید معلومات قبلی شاگردان را در نظر بگیرد و بعداً درس جدید را پلا ن وطرح ریزی کند. در این نوع تدریس شاگردان در درس جدید سهم گرفته و آماده گی قبلی شاگردان در این نوع تدریس شرط می باشد.

معلمان محترم:

شما در پرتو بحث فوق الذکر تدریس خود را چطور ارزیابی می کنید؟ در آن چه تفاوت ها را ملاحظه می کنید؟ آیا با در نظرداشت بحث فوق الذکر تدریس امکان پذیر است؟

....

....

....

در جدول ذیل روش آموزش فعال و روش تدریس عنعنوی با ارائه مثال ها مقایسه گردیده است:

تدریس عنعنوی (مروج)	آموزش فعال
1. معلمان دانش را به شاگردان انتقال می دهند.	1. شاگردان خود می آموزند.
2. شاگردان آرام نشسته و از معلم میشنوند.	2. شاگردان متحرک می باشند و فعالیت اجرا میکنند .
3. معلم به یک طرف و شاگردان به طرف دیگر می باشند.	3. معلم در میان گروه ها شاگردان را رهنمایی وو مدیریت میکند.
4. تنها از معلم آموخته می شود.	4. از یک دیگر می آموزند.
5. شاگردان بیشتر فعالیت ذهنی انجام میدهند	5. از لحاظ جسمی و ذهنی فعال می باشند.
6. نظم و انظباط صنف خیلی خوب می باشد و شاگردان در صنوف منظم نشسته می باشند.	6. می تواند صنف ظاهراً بی نظم معلوم شود و لی شاگردان نشسته یا ایستاده می باشند.
7. شاگردان مجبور می باشند که درس را یاد بگیرند.	7. شاگردان برای آموزش تحریک شده می باشند.
8. درس مطابق فهرست کتاب می باشد.	8. درس با آماده گی و نیاز مندی های شاگردان برابر می باشد.
9. معلم سوالات معلوماتی را خیلی می پرسد، مانند چه چیز؟ چه؟ کی؟ و غیره.	9. معلم از سوالات باز استفاده می کند یعنی چرا و چطور؟
10. درس برای شاگردان لایق، می باشد. وبس.	10. درس برای همه می باشد.

معلمان گرانقدر! در سطر های آینده یک مثال از یک درس ارایه می شود. بعد از مطالعه پیرامون سوالات دقت کنید. معلم در وقت تدریس زبان؛ به شیوه ذیل عمل می کند:

بعد از صحبت مقدماتی از شاگردان تقاضا می کند که کتاب های خود را باز کنند و درس جدید را پیدا کنند. معلم کلمه های مشکل را به روی تخته می نویسد و بعداً آن را می خواند و برای شاگردان معنی می کند.

سپس تمام درس را از روی کتاب نخست خود وی به آواز بلند، (مگر به شیوه غیر سریع) می خواند و می کوشد که شاگردان آن را با دهن بسته مشایعت و همراهی کنند تا باشد خواندن آن را بیاموزند. بعداً آن را توسط چند نفر شاگرد می خواند. سپس می پرسد که کی آن را نمی تواند بخواند؟ بعد از آن توسط آن ها می خواند سپس معلم مفهومی درس را به لهجه مطلوب و زبان ساده برای شاگردان بیان میکند واز یک نفر شاگرد هم تقاضا می کند که درس را بخواند و در اخیر درس را جمع بندی خاتمه می دهد.

شما چه فکر می کنید که این نوع درس نمونه کدام نوع تدریس است؟ شما این درس را به کدام نوع دیگر می توانید تدریس کنید؟

فعالیت چیست؟

اشتراک فعالانه شاگردان در جریان عملیه یادگیری امر خیلی مهم به حساب می رود و اینکه آموزش چطور صورت می گیرد، تا حد زیاد به این ارتباط دارد که تدریس آن چطور صورت می گیرد. تدریس که سهم گیری شاگردان در آن موجود بوده، علاقه و دلچسپی شاگردان در آن حفظ شده باشد، اعتماد خود شاگردان را تحریک نماید و ذوق آن ها را برای آموزش زیاد بسازد، آموزش خوب را به میان می آورد.

یک محیط خوب برای آموزش باید ویژه گیهای ذیل را داشته باشد:

1. **فضای صمیمی برای آموزش**

اگر شاگردان خود را در صنف آرام احساس کنند، بالای شاگردان ومعلمان، اعتماد و باور داشته باشند، از طلب کمک هراس نداشته باشند، و روحیه کمک کردن با دیگران در آن ها موجود باشد، این نوع فضاء آموزشی در صنف خیلی مفید خواهد بود.

2. **شاگردان از معلمان ترس نداشته باشند**

روابط ذات البینی معلم و شاگردان بر آموزش اثر بارز و بزرگ دارد. معلمان باید زمینه آموزش موثر را بدون در نظر داشت هر نوع سابقه خانواده گی و ویژه گیهای فردی شاگردان فراهم سازند و قابلیتی را به آن ها بدهند که با چالش ها دست و پنجه نرم کنند. شاگردان برای آموزش بهتر به چنان محیط ضرورت می داشته باشند که در آن هراس از اشتباه موجود نباشد، آن ها این نکته را بدانند که در برابر اشتباهات آن ها تحمل صورت می گیرد. اشتباه کردن کار نادرست حساب نمی شود، بلکه اشتباه برای یاد گرفتن امر حتمی می باشد. خطر اشتباه را پذیرفتن و آموزش از طریق تجربه کردن؛ طریقه های خیلی مؤثر آموزش اند. مثلاً اگر از شاگردان رنجور هم که نقشه درست افغانستان را رسم کنند و در این رابطه تنها همان جواب درست خواهد بود که نقشه کاملاً درست باشد، در این صورت شاید یک عده زیاد شاگردان توانمندی آن را نداشته باشند و امید پیروزی را هم نداشته باشند ولی اگر سوال طوری مطرح شود که "اگر هر کس نقشه را خوب رسم کند، نقشه مذکور را به روی دیوار آویزان می کنیم"، دراین صورت شاگردان به آموزش ترسیم نقشه تحریک می شوند و هر کدام آن ها سعی خواهد کرد که نقشه را خوب رسم کند.

3. محیط آموزش فعال

شاگردان زمانی خوب می آموزند که به طور دوامدار وعملی بالای اشیا کار کنند؛ با دیگران صحبت و بحث نمایند و مشترکاً کار کنند؛ با مفکوره های جدید روبرو شده و تجربه کنند. برعکس، وقتی که آن ها تنها شنونده گان غیرفعال باشند و یا فعالیت طوری باشد که شاگردان صرفاً گوش کننده گان و گیرنده گان معلومات باشند به مقایسه حالت فوق الذکر خیلی زیاد آموخته نمی تواند.

4. خصوصیات و قابلیت های شاگردان را در نظر گرفتن

شاگردان حتی اگر دارای عین سن هم باشند از نگاه ملحوظات مختلف از هم دیگر متفاوت می باشند، قابلیت های (استعداد های) آموختن، روشهای آموختن، عکس العمل ها و کار های شان یک سان نمی باشد. پس بر معلم است که نیازمندی ها و استعداد های شاگردان خود را در نظر بگیرد. این نکته هم خیلی مهم است که تجارب گذشته، علایق، زبان، دانش، مهارت ها و اینکه آن ها با چه چیز خوب تحریک می شوند، نیز باید در نظر گرفته شود.

اگر معلم تنها به یک طریقه درس بدهد، در گروه بزرگ شاگردان شماری زیاد این نوع ضرورت ها از نظرخواهد افتید و تعداد زیاد شاگردان نخواهند آموخت.

به نظر شما این نوع مشکلات چقدر اهمیت دارد؟ آیا تمام شاگردان در مضمون شما به عین درجه می فهمند یا اینکه یک تعداد کمتر و تعداد دیگر زیاد تر می دانند؟ چه فکر می کنید قضیه چرا از این قرار است؟ کدام نوع فعالیت ها باعث آموزش بهتر می شود؟

همه به این باور اند که شاگردان زمانی خوب می آموزند که برای آموزش تحریک شده باشند یا به عبارت دیگر برای آن ها فرصت پیداکردن جواب داده شده باشد و امثال آن.

به نظر شما زمینه مساعد کردن این نوع فعالیت ها در صنوف چطور پیدا می شود؟ ما می دانیم که شاگردان بازی ها را خیلی خوش دارند، چرا؟ آیا در بازی چیزی می آموزند یانه؟ کدام مثالی را می توانید ارائه کنید که شاگردان در بازی ها چیزی را می آموزند که در کتاب های درسی مکتب موجود نباشد.

وقتی که شاگردان بازی می کنند، علاوه بر خوشی وعلاقه ای که در بازی می داشته باشند، بازی را خود آن ها تنظیم می کنند که از آن می آموزند و هم چنان می خواهند که بازی را تاوقت زیاد دوام بدهند؛ یعنی این فعالیت را کس دیگر توقف ندهد و هم چنان در این فعالیت رقابت هم موجود می باشد.

اگر فعالیت های درسی در صنف مانند بازی ها تنظیم گردند، بدون شک شاگردان خوب می آموزند. برای آن که آموزش بهتر صورت بگیرد، لازم است که در باره درس خود فکر بکنیم و چنان فعالیتی را پیدا کنیم که ارایه موضوع کتاب درسی برای شاگردان جنبهٔ سرگرمی داشته باشد. به خاطر باید داشت که برای همه شاگردان موقع باید داده شود در آن سهم بگیرند و شاگردان که به کمک بیشتر ضرورت دارند باید از نظر نیفتند. خود معلم و یا شاگردان دیگر باید با آن ها کمک نمایند.

پیشنهاد ها و نکات قابل توجه برای معلمان

1. اگر معلم موضوع مساحت مستطیل را تدریس نماید، برای آموختن در صنف، با درنظر داشت محتویات اساسی، کدام نوع فعالیتها، فرصت های آموزش بهتر را میسر می سازد؟
   - ◊ تنها خواندن و نوشتن از روی کتاب و یا حل کردن سوال های کتاب؟
   - ◊ تشریحات معلم و شنیدن و گوش گرفتن شاگردان؟
   - ◊ بعد از ارایه تشریحات مختصر، معلم از شاگردان تقاضا نماید مساحت هر آن مستطیل موجود در صنف، را اندازه گیری کنند.وی میتواند این فعالیت را به صورت انفرادی، گروه های کوچک و یا در گروه های دونفری اجرا نماید. هر کس بکوشد که مثال های زیاد آن را پیدا کند. برای اجرای این کار وقت را معین کنید و در اخیر هر شاگرد گزارش خود را در صنف ارائه کند.
2. پیرامون فعالیت های آموزشی درصنف غور و دقت کنید، ببینید که کدام آن مؤثر است. نمونه های دیگر مشابه به فعالیتهای فوق را بسازید و آماده کنید.
3. در اجرای این نوع فعالیت های درسی کدام نوع مشکلات را ملاحظه می کنید؟ این مشکلات را چطور می توانید حل کنید؟

نقش معلم و شاگرد در آموزش فعال

تدریس خوب آنست که در نتیجه آن همه شاگردان بیاموزند و مهارت های مختلف آن ها رشد نماید. معلم برای این چنین تدریس باید نکات ذیل را در نظرداشته باشد:

1. **قبل از آن که درس شروع شود معلم باید در مورد سوالات ذیل آماده گی داشته باشد:**

چه درس می دهم؟ تجربه و معلومات قبلی شاگردان در رابطه با این موضوع چقدر است؟ چطور درس بدهم تا شاگردان این موضوع جدید را بتوانند یاد بگیرند؟ شاگردان کدام فعالیت ها را اجرا کنند؟ برای اجرای فعالیت ها به کدام اشیا و اجناس ضرورت است؟در این مرحله معلم به حیث طراح پلان وظیفه دارد که پلان خود را طرح نماید.

2. **در جریان تدریس**

- معلم در صنف به یک شاگرد نه، بلکه برای تعداد زیادی از شاگردان درس می دهد و صنف هم محدود می باشد، بنابرآن او برای فعالیت های پلان شده؛ تنظیم صنف، مواد آموزشی، دقت و مدیریت درست ضرورت دارد، پس در پهلوی همه موارد، وظیفه کنترول نمودن صنف را نیز عهده دار می باشد.
- معلم در آغاز و در مراحل دیگر درس، بعضی اوقات در رابطه به موضوع یا خود معلومات می دهد یا از شاگردان می پرسد یابه تعبیر دیگر، به شاگردان معلومات جدید می دهد.
- معلم در آغاز فعالیت درسی شاگردان را رهنمائی می کند که آن ها چه کار کنند؟ و این کار را در کجا اجرا کنند؟ آیا آن ها همه یکجا کار کنند، یا به طور انفرادی کار کنند؟ و امثال آن. معلم می داند که تنها رهنمائی شفاهی برای اجرای فعالیت ها کافی نمی باشد. بنا برای شاگردان فعالیت را معرفی کرد. آن ها رهنمائی می کند.
- وقتی که شاگردان فعالیت را اجرا می کنند، معلم از آن ها نظارت می کند. اگر کدام شاگرد به کمک ضرورت پیداکند، معلم با وی کمک می کند. به همین ترتیب، این را هم می بیند که آیا تمام شاگردان در فعالیت سهم می گیرند یانه و اگر سهم نمی گیرند چرا؟ او می کوشد که به تمام شاگردان موقع و فرصت داده شود وبا شاگردان ضعیف کمک خاص صورت بگیرد. در این صورت معلم به حیث نظارت کننده ایفای وظیفه می کند.
- معلم باید این نکته را بداند و دریابد که آیا شاگردان وی چیزی آموخته اند یانه؟ چه نوع فعالیت های دیگر باید اجرا شود که آموزش آن ها تحکیم یابد؟ اگر بعضی از شاگردان نفهمیده باشند، با آن ها چطور باید کمک کند؟ بعضاً این ضرورت هم پیش می شود که فعالیت را تبدیل کند یا فعالیت مذکور را ترک بگوید، زیرا که آن را

شاگردان نمی توانند اجرا کنند یا اینکه شاگردان آن را نمی دانند یا عوض آن فعالیت دیگر را اجرا می کنند. وامکان آن هم موجود است که روی فعالیتهای تکراری دیگر دقت کنند.

به این ترتیب می توان گفت: که معلم در این مراحل وظیفه ارائه کننده معلومات، رهنمائی، نظارت، کمک و ارزیابی را به دوش دارد.

معلمان گرانقدر! شما در صنوف خود پیرامون نقش خود غور ویا دقت کنید و آن را با بحث فوق مقایسه کنید.

آیا با در نظرداشت بحث فوق الذکر نقش معلم را آسان تصور می کنید یا مشکل؟

گفته می توانیم زمانی، که یک معلم پلان درسی خود را می سازد، بخش عمده و محوری پلان درس وی را آموزش فعالیت های معلومات جدید تشکیل می دهد. در یک فعالیت آموزشی نقش معلم و شاگردان را می توان طور ذیل توضیح ساخت.

معلم	شاگرد
- فعالیت را معرفی می کند. - اگر خواسته باشد فعالیت را تکرار می کند. - نظارت می کند. - در جایی که ضرورت باشد، کمک می کند. - جواب ها را می خواهد. از شاگردان تقاضا می کند که روی مسایل بار دیگر دقت و فکر کند. - آن را عملی می کند. - درس را خلاصه و ارزیابی می کند.	- شاگردان خود را آگاه می سازند و خود را می فهمانند. - فعالیت را شروع می کنند. - فعالیت را پیش می برند، بایکدیگر خود کمک می کنند. - فعالیت را تکمیل و بهبود می بخشند. - بالای آن دو باره فکر می کنند. - آن را عملی می کنند

پیشنهادها: شما موارد فوق را با تجربه خود مقایسه کنید:

- چه تفاوت دارد؟
- چه سهولت دارد؟
- چه مشکلات دارد؟
- این چنین نقش معلم را می توانید شما در صنف عملی کنید؟
- در این بخش کدام موانع موجود است؟

- یک درس را پلان کنید که مطابق مشوره و راهنمائی فوق الذکر باشد؟ به تعبیر دیگر، یک معلم همکار مکتب خود را انتخاب نموده، درس او را ملاحظه کنید تا بحث روی نکات مهم و ارزنده صورت بگیرد.

انواع فعالیت های آموزشی

طوریکه قبلا اشاره شد؛ شاگردان وقتی بهتر می آموزند که فعالیت های آموزشی مطابق سویه و ذوق شان باشد. فعالیت های آموزشی می تواند شفاهی، تحریری و یا توسط مواد اجرا گردد. بطور مثال اگر در درس زبان صنف سه، موضوع " نتیجه غفلت " را تدریس می کنیم، می توانیم فعالیت شفاهی راجع به این درس را طور تهیه نمایم که قصه را به شاگردان بیان کنیم (معلم یا یک تن از شاگردان شفاهی بگویند) و بعدا از شاگردان پرسان کنیم که: قصه را جع به چه بود؟ چه واقع شد؟ چرا سنگ پشت برنده شد؟ چرا خرگوش باخت؟ از این جا چه نتیجه گرفته می توانیم؟(عبرت و درس اخلاقی از مسابقه).

یا اینکه از شاگردان بخواهیم که در گروه دو نفری در متن قصه تمام کلمه ها را که حرف (ق) دارند را بیرون نویس کرده و بگویند که کدام گروه کلمه های زیاد تر را دریافت کرده اند. دراین صورت فعالیت، تحریری می باشد.

همچنان در ریاضی معلم مثلث های مختلف الاضلاع را از توته های کاغذ ساخته، به گروه های شاگردان داده و از آن ها بخواهد که از این اشکال ، شکل های دیگری بسازند، اضلاع آن را اندازه کنند، مشابهت ها و تفاوت ها را پیدا کنند، نامگذاری کنند و غیره (فعالیت با مواد).

به این ترتیب، در تعیین فعالیت ها باید در نظر داشته باشیم که مطابق ضرورت و هدف موضوع بوده، باعث تشویق نمودن شاگردان برای آموزش شده و همچنان تنوع داشته باشند.

فعالیت های آموزشی باید از نظر آسانی و مشکل بودن نیز مختلف باشند و فعالیت باید در شروع آسان و بعداً بطرف مشکل شدن برود. مثلاً دریک فعالیت آموزشی حساب در اول از شاگردان میخواهیم که فقط نمبر نوشته شده را (مثلاً **5**، **7**، **10**) و غیره را پیدا کند و بعداً از نصف، دو برابر، چهار از آن کم و غیره سوال شود.

همه انواع فعالیت های آموزشی برای هر مضمون لازم اند. مثلاً می دانیم که زبان یک مهارت است و این مهارت به گپ زدن خوب تقویت می شود. لذا فعالیت های شفاهی مانند حدس زدن، معما حل کردن و غیره برای تقویت مهارت های شفاهی لسان بسیار مفید اند. اما برای ریاضی فکر کردن مجرد شاید فعالیت های شفاهی خوب باشند. مثلاً: بگوئید که چند است: دو برابر عمر من (**12**سال) وغیره.

مثالهای دیگر فعالیت های آموزشی قرار ذیل شده می توانند:

1. معلم به توته های خورد کاغذ نوشته کرده و به شاگردان توزیع می کند:

من **4** دارم کی یک از آن زیاد دارد؟

من **5** دارم کی **2** از آن زیاد دارد؟

من **6** دارم کی **3** از آن زیاد دارد؟

یک شاگرد از کاغذ خود می خواند ودیگران جواب آن را پیدا کرده و بعداً سوال خود را می گویند.

2. معلم به روی تخته اعداد مختلف در جای های مختلف نوشته میکند مثلاً از **5** تا **25** . ازشاگردان میخواهد که اعداد را به شکل متصل به یک خط طوری با هم وصل کنند که خط قطع نشود.

3. معلم از شاگردان بخواهد که آن ها مساحت های هر چیزی موجود در صنف را پیدا کنند. هر کس که توانست یک شی که کلانترین مساحت را دارد، در یافت کرد(یا زیاد ترین اشکال را پیدا و دریافت کرد) برنده محسوب میشود.

- هریک، نام یک شی را بگوئید که به (الف) شروع شده باشد.
- هر یک، نام یک شی را بگوید که به حرف اخر(وطن) شروع شده باشد.
- هر یک، شی را به صفت آن بگوئید که به عین حرف شروع شده باشند.

4. معلم از شاگردان بخواهد که از **1** الی **9** اعداد را نوشته کنند. بعداً معلم به روی تخته دو علامت

______ را در دو ستون با هم نزدیک نوشته کند. از شاگردان بخواهد که دو عدد را نام بگیرند (مثلاً **4**و **7**) و پرسان کند که کدام یک از این دو عدد را در کدام ستون نوشته کنیم، که عدد دو رقمی خورد تر ساخته شود؟

5. به روی یک مکعب کاغذی کلمه ها ،(مثلاً پنج بنای اسلام) رانوشته کند. شاگردان با نقش دادن مکعب کلمه را که بر روی مکعب نوشته شده بخوانند.

همچنان اگر مضمون لسان باشد، کلمه متضاد یامترادف آن را بگویند.

6. معلم از شاگردان بخواهد که در کتاب درسی جغرافیه صنف پنج جدول ممالک آسیا را باز کنند. شاگردان را به گروه های کوچک تقسیم کرده و از آن ها می خواهد که راجع به یک مملکت یک سوال جور کنند و سوال آن ها باید در رابطه با کشور خود ما باشد. مثلاً نفوس کلانترین همسایه وطن ما چند است؟. گروه که اولتر جواب بگوید، سوال خود را طرح می کنند.

7. معلم سوال های راجع به چیز های مختلف نوشته کرده بر اشیای مختلف در محوطه مکتب نصب میکند. از شاگردان خواسته که طبق هدایت مسیر را تعقیب کنند. سوالات را پیدا کرده جواب بگویند.

مشوره ها برای معلمان:

- شما بحث فوق را راجع به فعالیت های آموزشی در رابطه با تجربه تدریسی خود تان چطور بررسی میکنید؟ آیا عملی کرده اید؟ ممکن است عملی شود؟ کدام موانع است؟
- به نظر شما از جمله مثالهای فوق فعالیت های کدام آن ها شفاهی و یا تحریری اند؟ چطور می توانید عین مثال را آسان تر و یا مشکل تر بسازید؟

فعالیت آموزشی چطور اجرا می شود؟

تنظیم کردن صنف به منظور اجرای فعالیت

شاگردان در صنوف به طریقه های گوناگون می آموزند و از لحاظ توانایی آموزش هم از همدیگر تفاوت دارند. برای اینکه همه شاگردان بیاموزند، باید فعالیت ها طور ذیل تنظیم گردد:

- فعالیتی که باید برای صنف باشد
- فعالیتی که توسط گروه های کوچک اجرا شود
- فعالیتی که هر شاگرد در آن طور جداگانه کار کند

انواع فعالیت ها ازلحاظ تعداد شاگردان

الف) فعالیت تمام صنفی

فعالیتی که برای صنف باشد، دو فایده دارد:

1) می توان معلومات را برای گروه بزرگ شاگردان ارایه کرد و تمام شاگردان در عین وقت عین فعالیت را اجرا می کنند.

2) شاگردان بدون ترس و هراس تجارب و مفکوره های خود را شریک می سازند. این فعالیت ها که برای صنوف می باشد میتواند در آن از جانب معلم معلومات مختصر داده شود، از جمله شاگردان یک نفر قصه بگوید، کسی لطیفه یا مزاحی را بیان کند، فکر، نظر یا تجربه خود را بیان نماید یا اشکال وانواع دیگر داشته باشد.

شاگردان در صنوف ممکن است از لحاظ سویه و توانایی فرق داشته باشند و می تواند که یک موضوع برای یک نفر شاگرد لایق ورزیده و بااستعداد خسته کن و تکراری باشد. اما برعکس، برای شاگردان ضعیف مشکل باشد. برای حل این نوع مشکلات اجرای فعالیت های شاگردان در گروه ها طریقه خیلی خوب و مؤثر است

ب) کار گروهی

معلم می تواند یک صنف را به چند گروه تقسیم نماید و هر گروه بالای عین موضوع یا موضوعات مختلف کار کنند. در اینجا نکته خیلی مهم و با ارزش آنست که وظیفه داده شده به گروه ها باید شکلی به خود داشته باشند که هر عضو گروه توأم با

اعضای دیگر گروه جمعاً در رابطه با وظیفه چیزی فکر کند. شاگردان بایک دیگرکار بکنند و معلم برای آن ها رهنمایی کند و گاه گاهی با آن ها کارهای تعقیبی را اجرا کند. برای شاگردان در گروه های کوچک فرصت همکاری، تشریک مساعی، صحبت، بحث وتبادل نظر موجود باشد و برای اعضای هر گروه مجال سهم گیری میسر گردد.

معلم درمیان گروه ها گشت و گذار خواهد کرد و در وقت ضرورت به آن ها رهنمایی خواهد نمود. گروه ها برمبنای قابلیت ها ترتیب شده می باشند. لذا معلم وقت زیاد را با گروهی صرف خواهد کرد که به کمک بیشتر نیاز دارد.

گروه های کوچک می تواند که برمبنای استعداد ها وقابلیت های شاگردان به خوشی خود شاگردان و یا به طور مختلط از این دو معیار ترتیب و ساخته شوند. گروه های که به اساس قابلیت ها و استعداد های آن ها ترتیب وساخته شده باشند، شاگردان در آن ها از لحاظ سویه آموزش یکجا شده می باشند و وظایف سپرده شده به آن ها هم باید به سویه آن ها برابر باشد. یک نکته مهم در این رابطه آنست که در این نوع گروه بندی تقاضا و انتظار معلم نباید در سطح پایین باشد. اگر شاگردان از لحاظ استعداد ها در یک گروه ترتیب و تنظیم گردیده باشند، معلم باید به ویژه‌گیها وعلایق اعضای گروه توجه خاص مبذول بدارد. بهتر آنست که گروه ها وقتاً فوقتاً تبدیل گردند.

ج) کار انفرادی

گاه گاهی شاگردان یک وظیفه را به طور انفرادی انجام می دهند. می تواند این وظیفه از جانب شاگردان و معلم تعیین گردد. موضوع می تواند به ارتباط درس در مورد ضروت های شاگردان باشد. امکان آن نیز موجود است که شاگردان به سرعت خود یا مطابق توانایی خود کار کنند.

د) کار دو نفری (جوره یی)

کار دو نفری زمانی مؤثر می باشد که شاگردان با یکدیگر خود کمک کرده ومشترکاً کارکنند، در باره حل یک مسله یا مشکل بحث کنند، وظایف خانگی را مشترکاً بنویسند، برای یک دیگر خود درس بدهند، در صنوف؛ کار دو نفری جنبه خیلی عملی دارد؛ زیرا که اگر تعداد شاگردان خیلی زیاد هم باشند، آن ها می توانند دو به دو و در پهلوی همدیگر کار کنند.

فعالیت چطور اجرا وارایه گردد؟

یک فعالیت آموزشی که معلم خود آن را پلان نموده باشد در صنف می تواند طور ذیل اجرا و ارایه نماید:

مثلاً، معلم اسم و صفت در مضمون زبان صنف چهارم را درس می دهد.

نخست معلم فعالیت را معرفی می کند. به بیان دیگر به شاگردان می گوید که کی چه کند و چطور؟

مثلاً: تمام شاگردان حلقه می زنند. یک نفر آن ها نام اشیایی را می گیرد که در صنف موجود اند؟

شاگردان باقیمانده می کوشند که صفات یکی از اشیای مذکور را بیان کنند.

- در آغاز معلم فعالیت را شروع می کند. مثلاً: من می گویم: تخته. شاگردان می گویند: تخته سیاه
- بعداً شاگردان خود این فعالیت را دوام می دهند. معلم نظارت، رهنمایی و گاه گاهی کمک و رهنمائی میکند. مثلاً اول معلم می گوید: کلکین و بعداً می گوید کلکین زرد.
- در خاتمه معلم با شاگردان مشترکاً فعالیت را تمام می کند. به عبارت دیگر او در باره اسم و صفت صحبت می کند و می گوید تخته سیاه وکلکین زرد.

پشنهاد ها و نکات قابل بحث برای معلم:

معلمان محترم:

- شما در تدریس خود کدام نوع فعالیت ها را اجرا می کنید؟ آیا شاگردان به علاقه مندی در آن سهم می گیرند؟ آیا آن طور فعالیت ها را به خاطر دارید که شاگردان دوام آن ها را تا وقت زیاد بخواهند وشما مجبور شده باشید که آن را توقف بدهید. این ها کدام فعالیت ها بودند؟ در آن فعالیت ها شاگردان چه آموختند؟ به نظرشما شاگردان چرا این فعالیت ها را خوش داشتند. آیا مثال های دیگری در این رابطه دارید؟
- آیا شما گاهی از کار دو نفری استفاده کرده اید؟ چه فکر می کنید کار دو نفری در صنف شما جنبه عملی دارد یا نه؟
- آیا امکان تطبیق این نوع فعالیت ها را در صنوف خود می بینید؟ در این رابطه چه موانع را می بینید؟
- برای آموزش بهتر این امر مهم است که در هر هفته کم از کم یک راه حل را برای گروه ها، گروه های دونفری یا کار انفرادی پیدا شود.

ایجاد محیط بدون ترس برای آموزش

به این قصه توجه نمائید وفکر کنید:

تعدادی از شاگردان در کوه بازی می نمودند، آنان مغاره ای را دیدند، خواستند در مورد آن معلومات به دست آورند و دریابند که در داخل مغاره چه می باشد، ولی مغاره تاریک است و شاگردان از تاریکی میترسند. به نظر شما آیا ایشان داخل مغاره را کشف خواهند نمود یا خیر؟ برای ارائه نمودن جواب، دو دسته عوامل را در نظر بگیرید؛ اول اینکه کدام عوامل شاگردان را وا می دارد که باید داخل مغاره را کشف کنند و دوم اینکه کدام عوامل آن ها را از داخل شدن به مغاره باز می دارد.

عوامل که با عث می گردد شاگردان داخل مغاره گردند عبارت اند از:

- کنجکاوی
- رخداد ها یا حوادث

- تقاضا ها و خواست های جدید که می توانند دیگر شاگردان را تشویق به داخل شدن به مغاره نمایند.
- محرک عاجل برای رسیدن به آنچه شاگردان دیگر تا به حال آن را انجام نداده اند.

عواملی که شاگردان را از داخل شدن به مغاره باز می دارد عبارت اند از:

- ترس از تاریکی
- ترس از گم شدن
- ترس از مواد منفلقه و ماین ها
- ترس از یک محل نا آشنا
- ترس از قهر و غضب والدین.

بعد از همه ی تذکرات، آیا شاگردان به مغاره داخل خواهند شد؟

بعضی از شاگردان شاید داخل مغاره خواهند شد ولی تعداد دیگر نمی خواهند داخل مغاره اندکی پیشتر روند؛ چرا؟

از مثال فوق میتوان نتیجه گرفت که کدام نوع محیط صنف باعث انکشاف آموزش(یادگیری) می گردد و برعکس آن، کدام نوع محیط، آموزش(یادگیری) شاگردان را لطمه می زند.

آموزش یک پروسه وانگیزه درونی انسان است که از انگیزه های کنجکاوی، کشف نمودن، اختراع نمودن، انجام کار جدید و پر هیجان ناشی می گردد. به طور مثال شاگردان به دور محل جمع می گردند تا محیط شان را کشف نمایند؛ شاگردان بزرگتر به نواحی خانهٔ شان گردش می نمایند، بعداً در قریه و جاده های خود برای کشف اشیای جدید گردش و جستجو می نمایند؛ بنابر این، انگیزهٔ دورنی برای آموزش است که شاگردان را وا می دارد به مکتب بروند و بیاموزند.

از جانب دیگر ترس هم انگیزهٔ دورنی است تا آن حد که آگاهی حتی نسبت به کنجکاوی قویتر عمل می کند. ترس برای زنده ماندن ضروریست؛ زیرا اگر ما از آن چیزهایی که خطرناک اند هراس نداشته باشیم، تعداد کمی از ما زنده باقی خواهد ماند. بناءً ترس منحیث یک انگیزهٔ دورنی نسبت به انگیزهٔ درونی کنجکاوی قویتر عمل می کند. ما به حس کنجکاوی نیازمندیم تا متکی بدان بیاموزیم. در صورت تعمق به قصهٔ مغاره واقعاً ترس عمل شایسته را انجام داد زیرا امکان مواجه شدن شاگردان به خطرات در صورت داخل شدن به مغاره موجود بوده باشد.

محیط صنف مکتب محل ترس نیست؛ فقط در صورتی که معلم ترسناک در آن صنف موجود نباشد؛ چون صنف و محیط آن هدفمندانه برای آموزش می باشد؛ پس، بایست محیط عاری از ترس باشد تا باعث رشد حس کنجکاوی شاگردان گردد. معلمان

نباید وسایل تهدید برای شاگردان باشند، بلکه باید منحیث منابع بسیار عزیز کمکی برای شاگردان تلقی گردند؛ ولی در بعضی از صنوف چنین نمی باشد. در این صورت حس کنجکاوی شاگردان لطمه دار می گردد و آموزش مؤثرانه صورت نمی گیرد.

بعضی از علل ترس شاگردان از مکتب عبارتند از:

- ترس از قهر شدن معلم.
- ترس از جزای متجانب معلم.
- ترس از آزار شاگردان بزرگ سن.
- ترس از معرفی شدن به عنوان شاگردی کم عقل.
- ترس از جواب نادرست به سوال های معلم.
- ترس از عدم آشنائی به وظایف خود.
- ترس از جزا ی جمعی.

برای تعداد کثیری از شاگردان، مکتب محل ترس است، نه محل آموزش! درین صورت مکتب، مکانی است که باید حس کنجکاوی، اکتشاف، درک حوادث و رخداد ها و دیگر موفقیت های شاگردان را برآورده سازد.

در حالی که این احساس درونی، ذریعهٔ مکاتب می بایست رشد داده شوند تا آموزش صورت گیرد.

بعضی از معلمان ترس را با احترام مغالطه می نمایند در حالیکه ترس و احترام یک شی همگون و هم سان نیستند. شاگردان، معلمان خویش را نسبت اینکه آن ها را دوست دارند احترام می گذارند. آن ها از معلمان خویش تجارب جدید، معلومات جدید، نظریات جدید، فرصت های آموزشی و کشف را آموخته اند، بنا ایشان را احترام می گذارند. شاگردان معلمان خوب خود را دوست دارند، زیرا آن ها می دانند که این نوع معلمان آن ها را کمک می کنند که بیاموزند، در صورت نیکو اندیشیدن می توان گفت این احترام کاملاً با ترس از معلمان در مغایرت قرار دارد. وقت که شاگردی معلم خود را محترم می شمارد می خواهد که مانند او باشد؛ ولی بر عکس هیچ شاگردی نخواهد خواست مانند شخصی باشد که از او می ترسد.

- ایجاد صنف بدون ترس در قدم اول عمده می باشد؛ در حالی که قدم های مهم دیگری نیز موجود می باشد؛ یعنی غیر از ایجاد فضای سالم آموزشی بدون ترس، عوامل دیگر نیز برای آموزش عمده می باشد که باید بدان ها نیز توجه صورت گیرد تا شاگردان مؤثرانه بیاموزند از جملهٔ نیاز به:
  - تشویق و مکافات.
  - فرصت جهت کشفیات.

- احساس موفقیت
- احساس مسؤولیت و مفید بودن.
- احساس مصئونیت.
- عدالت و انصاف و برابر بودن تبعیضات ناروا.
- توجه به خواسته هایشان و دریافت کمک از آن ها در صورت لزوم.
- امکان پرسیدن سوال و دریافت جواب.
- بیان آزادانۀ نظرات و خواسته هایشان.
- نیاز تصور و تفکر.
- نیاز به پذیرش همچون دیگران.

بعضی از طروقی که معلمان با استفاده از آن ها می توانند به این نیاز ها جوابگو باشند عبارت اند از:

1 . تشویق، مکافات و ستایش

تشویق و ستایش بدین ساده گی نبوده که اگر معلمی برای شاگردش بگوید "شاد باش"، "آفرین"؛ بلکه شاگردان در اثنایی که سعی می نمایند کار های دشواری را انجام می دهند بیشتر به تشویق ضرورت دارند. این موضوع ایجاب می نماید تا معلم بخشی از وقت خود را در مشاهدۀ کار شاگردان سپری نماید؛ ولی به سخنان شاگرد گوش فرا دادن عمده تراست نسبت به اینکه گفته شود"شاد باش". حتی بعضاً اظهار پذیرش از شاگردان توسط اشارات سر و یاتبسم نیز می تواند عوامل عمده ای برای یاد گیری مؤثر شاگردان به شمار آید.

2.فرصت برای کشف و دریافت نمودن

معلمان از طریق دادن سوالات، فرصت های فکر کردن، حل مشکلات، دریافت شیوه استفادۀ از کلمات و اعداد، دانستن و دریافت عوامل عمدۀ تاریخی و جغرافیای افغانستان و کشورهای جهان را برای شاگردان میسر نمایند.

3. تقویۀ روحیۀ موفقیت

داشتن روحیه موفقیت قویتر از « شاه باش» گفتن معلم است؛ زیرا داشتن روحیه موفقیت برای شاگردان الی آخیر زندگی شان همراه است، بناءً برای اینکه این روحیه در شاگردان انکشاف داده شود باید ایشان وظایف را قدم به قدم انجام دهند. باید به شاگردان وقت داده شود تا بعد از انجام یک قدم موفقیت آمیز، وارد قدم بعدی گردند.

هر شخص مطابق میل خود و سرعت خود می آموزد، بناءً معلمان می بایست آمادهٔ توظیف وظایف شاگردان به نحوه ای باشند که قدم بعدی آموزش توسط آن وظایف در نهاد شاگردان در هر مضمون پرورش یابد. این بدین مفهوم است که وظایف مختلف برای شاگردان مختلف در اوقات مختلف داده شود. بعضی شاگردان در آموختن بعضی مضامین نسبت به دیگران بهتر اند واین در صنوف مختلف تغییر می کند ولی هر شاگرد نیاز دارد تا احساس موفقیت کند.

4. احساس مسؤولیت و مفید بودن

شاگردان مایل اند که مهم تلقی گردند و مسؤولیت داشته باشند. تعداد شاگردان بزرگتردردهات مصروف پرورش و حفاظت حیوانات اند. در فامیل های توسعوی تعداد از شاگردان بزرگتر مسؤولیت حفاظت شاگردان کوچکتر را دارند. مسؤولیت حس اعتماد به خود را در شاگردان انکشاف میدهد و علاوتاً شاگردان مایل اند که مسؤول انجام کار های مهم باشند؛ ولی باید به خاطر داشت که شاگردان مطابق سن شان به وظایف توظیف گردند. در زیر لست از وظایف موجود اند که معلمان می توانند در صنوف خود شاگردان را به آن ها توظیف کند:

ترتیب و تنظیم مواد روزانه

- کمک به شاگرد معیوب، شاگردی که لسان مکتب را نمیداند یا جدیداً وارد مکتب گردیده اند.
- کمک به شاگردان که در یک مضمون ضعیف اند.
- آب یاری گل های داخل صنف.
- باغ مکتب را آب یاری نماید.
- حفاظت از همه چارت های دیوار صنف.

5. احساس مصئونیت

عمده ترین مصئونیت دور بودن از جنگ های مسلحانه است. همچنان بهترین مصئونیت برای شاگردان این است که بدانند از آن ها چه توقعات خواهند داشت ، بناءً معلمان می توانند چنین محیط را ایجاد نمایند که در آن همه قوانین و مقررات صنف، معلم و مکتب وضاحت داشته باشد. تا شاگردان بدانند چه بکنند و از انجام چه اموری پرهیز نمایند. دلایل مربوط به هر مقرره نیز باید ارائه گردد. اگر شاگردی بعضی از مقررات را مراعات ننمود در این صورت تخلف برای شاگرد شرح گردد و دلایل جزا دادن را برای هر تخلف نیز ارایه نماید. انتقاد بالای هر شاگرد باید مطلق وابسته به همان تخلف از مقرره باشد که شاگرد آن را مراعات نه نکرده است.

6. پیش آمد مناسب و عدالت در صنف

قسمی که شاگردان آموختند که مقررات چه است، باید این را نیز بدانند که در صورت تخلف از آن مقرره مجازات خواهند شد. به شاگرد هم وقت داده شود، قبل از اینکه تخلف بیان گردیده باشد خبر داده شود تا از سلوک خود دفاع نماید. در صنوف باید عملاً پیش آمد خوب و مناسب و تأمین عدالت عملی گردد تا شاگردان بدانند که مثال هایی که توسط معلم ارائه گردیده است درست و مناسب می باشد. جزا دادن بدون موجب و یا نا مناسب نشان دهنده سلوک غیر مسلکی معلم می باشد.

7. انواع تبعیضات

معلم به هیچ وجه نباید بالای شاگرد ، فامیل، فرهنگ، لسان، قومیت و مذهب او انتقاد نماید وی شاگرد را باید آزار ندهد؛ زیرا یکی از اهداف مکاتب این است که وحدت ملی را انکشاف دهند؛ بناءً هر نوع تبعیض، وحدت ملی را متضرر می نماید.

8. گوش فرا دادن به سخنان شاگردان و توجه جدی به علایق و خواست شان

معلمان می کوشند که گویندۀ خوب باشند نسبت به اینکه یک شنوندۀ خوب؛ ولی یک شنوندۀ خوب دارای مهارت عمده واساسی است. برای انکشاف روابط حسنه بین شاگرد و معلم، معلمی که به سخنان شاگرد گوش فرا می دهد مورد علاقمندی شاگردان بوده و از احترام آنان بهتر برخوردار است. بنابر این می توان گفت مورد احترام و تمجید قرار گرفتن بهتر است نسبت به اینکه منبع و عامل ترس بود.

شنیدن یک مهارت است مانند دیگر مهارت ها و خواهان تمرین و حوصله می باشد.

نکات اساس و عمده برای انکشاف مهارت شنیدن:

- یک محیط کاملاً آرام و مصئون را ایجاد کنید.
- برای افهام و تفهیم وقت کافی بدهید.
- بطور مستقیم به طرف شاگرد با درنظرداشت فرهنگ نگاه کنید.
- مداخله ننمایید.
- احترام و ترحم ابراز دارید.
- انتقاد و قضاوت ننمایید.
- از لسان ساده استفاده کنید.
- اینطور شروع نمایید: "خوب بعداً چه واقع شد؟" "خوب شما از وقوع آن چه احساس نمودید؟"
- در صورتیکه شاگردان نخواهد به سوالات شما جواب ارایه نمایند.

9. پرسیدن سوال ها و آموختن از جواب ها

سوال کردن طریقه ای است که ذریعۀ آن معلومات جدید حاصل می گردد. پرسیدن سوال وسیلۀ خوبی است که انسان ها از این طریق می آموزند، بناءً شاگردان باید تشویق گردند تا در صنف سوالات را بپرسند. معلمان نباید نسبت داشتن همه جوابات که برای سوالات شاگردان ضروری اند در هراس باشند. این کاملاً قابل قبول است که گفته شود. « سوال بسیار معقول است ولی من جواب آن را نمیدانم». سوالات متعدد موجود اند که هیچ کس نمی تواند جواب دهد. سوالات و جود دارند که فیلسوفان برای قرن ها در مورد آن ها مشاجره نموده اند و هستند سوال های که علمای علوم تا حال برای دریافت جواب مشغول جستجو اند. اگر پرسش نباشد، بشریت تکامل نخواهد نمود. بناءً تاحد امکان معلمان باید شاگردان را وادار به پرسش نمایند.

10. آزادی بیان وافکار

آموزش فعال طوری طراحی می گردد که برای شاگردان زمینه های بیان افکار را مساعد نمایند. معلمان در اثنای طرح آموزش فعال و فعالیت های مربوط آن باید این واقعیت را بخاطر داشته باشند که بالخصوص در اثنای طرح و ظایف انفرادی یا گروهی برای شاگردان فرصت های مناسب ابراز نظر موجود باشد.

برای تطبیق این نظر در مضامین مختلف معلمان باید متوجه نکات ذیل باشند:

- استراتیژی های راکه آن ها در حل مشکلات ریاضی به کار می برند تشریح نمایند.
- مطابق کار شما شاگردان در برابر حادثۀ تاریخی چه احساسی خواهند نمود؟
- فکر نمایید که اگر شاگردان کشور هایی را که درجغرافیه مطالعه نموده اند ملاقات نمایند چه حس خواهند نمود؟

11. تشویق شاگردان در امر استفاده از تصورشان

تصور نمودن در دوران مکتب وخارج از آن وسیلۀ خوبست برای حل مشکلات، طرق متعدد وجود دارد که معلمان می توانند شاگردان را تشویق نمایند تا تصورات و افکار شان را مورد استفاده قرار دهند.

- برای شاگردان فرصت های نمایش نامه نویسی و یا اجرای نقش داده شود. قصه ها متکی به روشی باشد که دریکی از مضامین مکتب آن را مطالعه نموده باشند.
- بگذارید شاگردان از قصه ها تصاویر را ترسیم نمایند و در باره آن تصاویر چیزی بنویسند. البته این طریقه است تا شاگردان را از محض نقل کردن تصاویر از کتب و یا تخته سیاه وا دارد.
- شاگردان را وادارید تا از تصورات خود قصه های بنویسند، عوض اینکه آن ها را واداریم تا قصه ها را از کتب مربوطۀ شان نقل نمایند. در اثنای نوشتن از پروسۀ زنده گی شان امکان اشتباهات املائی و گرامری دور از امکان نبوده ولی به مرور

زمان این نقیصه ها رفع می گردد. (طریقه خوب برای انکشاف هجا نمودن درست همانا مطالعه زیاد میباشد، و هر قدر شاگردان از تصورات خود بنویسند به همان اندازه آن ها وادار میگردند که زیاد بخوانند. ولی بخاطر باید داشت که نقل کردن از کتب املا و گرامر را نمی تواند تصحیح نماید. در اثنای که شاگردان قصه های دیگران را نقل می نمایند غلطی های شان اندک بوده ولی باید متوجه شد که آن ها چیزی برای خود می نویسند، حتماً غلطی ها هم موجود خواهد بود).

12. تشویق شاگردان به فکر نمودن و دریافت نمودن، راه حل مشکلات

تشویق نمودن شاگردان جهت دریافت راه حل ها باشد. معلمان باید شاگردان را به طرز تفکر فردی تشویق نموده و بعداً ازآن ها بپرسند تا ایشان نظریات و افکار شان را ذریعه ترسیم نمودن نوشتن و یا از طریق اجرای نمایش ابراز دارند.

13. احساس نمایند که آن ها مورد احترام قرار می گیرند

شاگردان نسبت به جوانان خورد تر اند ولی هر دو یکسان انسان اند. اگر خواسته باشیم که شاگردان دیگر مردم را احترام نمایند اولتر از همه ایشان خود باید عملاً لذت احترام شدن را در ک نمایند. تا بعداً ایشان دیگران را احترام نمایند.

احترام نمودن شاگردان بدین مفهوم نبوده که بگذاریم که هرچه می خواهند انجام دهند. بلکه برعکس، احترام به شاگردان بدین مفهوم است که برای آن ها باید گوش فرا داد، اشتباهات شان را به حوصله مندی درست نمود و آن ها را وقت داد تا افکار و نظریات شان را آزادانه بیان دارند. احترام به شاگردان می طلبد تا برای شاگردان مسؤولیت ها داد(به فقره **9** فوق الذکر مراجعه شود) واحترام خودی را در نهاد آن ها رشد داد و آن ها را به احترام گذاشتن به دیگران واداشت و تدریس نمود.

14. صنف منحیث محل خاص برای شاگردان

صنف بر بنیاد اصولی که در این رساله از آن ها تذکر به عمل آمده، جای است که شاگردان آن را محل خاص برای خود می پندارند؛ زیرا، در این محل آموزشی، آن ها آسایش و مصئونیت را عملاً احساس می نمایند، در این محل است که شاگردان از حاضر شدن در آن احساس غرور خواهند نمود. آن ها احساس خواهند نمود که صنوف برایشان متعلق می باشد و معلمان اشخاصی اند که به آن ها گوش فرا می دهند وایشان راکمک می نمایند تا بیاموزند، کشف نمایند و محیط اطراف خود را دریابند.

صنف باید مکانی باشد که در آنجا:

1. شاگردان احساس آسایش نمایند.
2. شاگردان مقرره هایی را که وضع گردیده، می دانند زیرا آن مقرره ها معقول اند.
3. شاگردان کار های عملی، چارت ها و درامه ها را طرح و مورد استفاده قرار می دهند.
4. چارت ها و دیگر مواد ممد درسی و دیواری در صنوف موجود می باشد.

5. در اوقات گرمی، آب نوشیدنی پاک موجود می باشد.
6. صنوف پاک و نظیف بوده و شاگردان مسؤولیت پاک نگهداشتن آن را عهده دار می باشد.
7. صنوف دارای هوای تازه و روشنی کافی اند.
8. مواد طوری ترتیب گردیده اند که، معلم و شاگردان در اثنای ضرورت آن ها را مورد استفاده قرار می دهند.
9. شاگردان در امر نظافت صنف معلومات و تجارب خود را شریک می نمایند.

کار گروهی(آموزش فعال از طریق همکاری)

مقایسۀ سه نوع صنف (رقابتی، انفرادی وتعاونی)

صنف رقابتی

این نوع از صنف ها برای همۀ ما آشنا می باشد. در این نوع صنف ها، شاگردان لایق و زرنگ دائماً از خود می پرسند که: رقیب من کیست؟ کی را باید شکست دهم تا خودم برنده شوم؟ در این نوع صنف، شاگردان به عوض اینکه هم صنفان خویش را طرفدار و دوستان خود بدانند، ایشان را بحیث مانع پیشرفت خود می دانند.

این نوع صنف برای گروه بازندۀ شاگردان یعنی شاگردان متوسط و ضعیف بسیار مشکل تمام می شود. اینها در چنین موقع امکان پیشرفت برای خود نمی بینند، خود را همیشه بازنده می دانند و در نتیجه از (اعتماد به خود شان روز بروز کاسته می شود). این نوع صنف برای شاگردان لایق و برنده نیز خوشایند نمی باشند، زیرا که آن ها دائماً در فکر این می باشند که مبادا میدان را ببازند و دیگر برنده نشوند. علاوه از آن این گروه شاگردان نزد شاگردان متباقی محبوبیت نیز نمی داشته باشند.

صنف رقابتی بعضی اوقات خوب و ضروری هم می باشد. در بعضی اوقات شاگردان از رقابت لذت می برند و باعث تشویق شان می شود. درین صورت در صنف رقابتی نکات آتی را باید در نظر داشته باشیم:

1. رقابت باید بین شاگردانی صورت بگیرد که توانائی مشابه را دارا باشند.
2. تعداد برنده گان باید تا حد امکان زیاد باشد.
3. از رقابت برای لذت بردن و سرعت کار استفاده شود.

صنف انفرادی

در این نوع صنف هر شاگرد به تنهائی کار می کند و تشویش این را ندارد که نسبت به دیگران کمزور وا نمود شوند و مطابق سرعت و توانائی خویش کار می کند. علاوه از آن این نوع شاگردان توقع همکاری از دیگران را نیز نمی داشته باشند.

صنف تعاونی(گروهی)

در این نوع صنف، شاگردان باهم وابستگی دارند و می دانند که اگر ضرورت پیداکنند، یک کسی است که با ایشان کمک کند. چنین یک کس می شود، همصنفی شان باشد. شعار این صنف عبارت است از: یا همهٔ مایک جا نجات می یابیم و یا یکجا غرق میشویم. مشخصات چنین یک صنف قرار ذیل اند:

- هیچ یک از اعضای گروه به تنهائی موفق شده نمی تواند. هر یک مسؤول آموزش خودش بوده و حق ندارد که بیکار بماند.

معلم غرض صنف موفق تعاونی سه نکته ذیل را باید در نظر داشته باشد:

1. ناظر کردار و سلوک افراد در گروه باشد.
2. شاگردان را از مهارت های اجتماعی که در کار گروهی به کار می برند، آگاه سازد و با ایشان کمک کند که از این مهارت های اجتماعی بیشتر کار گیرند.
3. تنها در صورت ضرورت و لزوم دید مداخله نماید.

کار گروهی را چطور شروع کنیم؟

از شاگردان خود بخواهید که کدام وقت یک چیز از دیگران آموخته اند و یا با دیگران همکاری کرده اند و یا کدام مشکل یک کسی دیگر را حل کرده اند؟ لذت کار گروهی با دیگران را به یاد آورید و به جواب سوال ها ذیل بیندیشید:

1. اعضاء گروه چند تن باشد؟
2. کدام شاگردان باهم کار کنند(هم گروه باشند)؟
3. کجا کار کنند؟ به کدام وسایل ضرورت دارند؟

تعداد اعضای گروه

در صنف های اول دوم: 3-2تن.

در صنف های سوم و چهارم: 3-4تن.

در صنف های بالاتر: 4تن.

از گروه های چهار نفری وقتی کار بگیرید که متیقین شوید شاگردان به مفهوم کار گروهی پی برده اند.

شاگردان باید بیآموزند که با هر کس کار کنند. جای مناسب برای فعالیت گروهی به مشورهٔ شاگردان تعیین کنند. خوب خواهد بود که تهیهٔ وسایل را به دوش شاگردان بگذارید، البته در صورتیکه آن ها از عهدهٔ آن بر آمده بتوانند.

مشوره برای معلمان

شعار ذیل به کدام نوع صنف تعلق دارد؟

"اگر من برنده شوم، تو بازنده می شوی و اگر من ببازم تو برنده میشوی"

1. به صنف های نوع دیگر خود شما شعار ها نوشته کنید؟
2. از صنف رقابتی کدام گروه شاگردان منفعت میبرند؟
3. از صنف انفرادی کدام شاگردان منفعت میبرند؟
4. از صنف تعاونی کدام شاگردان منفعت میبرند؟
5. آیا صنف رقابتی همیشه خوب نمی باشد؟ توضیح نمائید؟

شناخت شاگرد

مبادی شناخت رشد شاگرد

عوامل طبیعی واجتماعی موثر بر رشد اطفال

1. هرگاه تخمی بذر گردد وآبیاری شود، خود به خود نمو میکند. این تخم (که بعدا نبات خواهد شد) دارای یک پلان و نقشه درونی است که خصوصیات نموی آن را تعیین می نماید.

2. شاگردان نیز با یک پلان و طرح درونی که خداوند(ج) به ودیعت گذاشته است تولد می شوند، این پلان و طرح درونی تنها جسمی نه بلکه روانی نیز می باشند با وجود آنکه اکثر شاگردان شکلاً درست به دنیا می آیند، ذهن و روان آن ها به مرور زمان رشد می کند.

3. همان گونه که اگر در وقت نموی نبات موانع ایجاد شود قامت آن کج میشود. به همان شکل اگر در جلو رشد ذهنی و روانی طبیعی یک شاگرد موانع ایجاد شود، از لحاظ ذهنی و روانی ضعیف بار می آید.

4. شاگردی که در فضا ومحیط موزون پرورش یابد، مانند یک بتهء قوی و صحتمند می ماند. شخص متعادل، متحد، قوی، مهربان وممد به دیگران بارمی آید.

5. شاگردی که در یک محیط ناموزون- که با نیاز های روانی اش مطابقت ندارد، رشد نماید؛ یک شخص خود خواه، غیر مطمئن، ناموزون به بار آمده می تواند.

مثال های سلوک بزرگ سالان که رشد سالم شاگردان را برهم زده می توانند:

- نکوهش و جزا دادن به خاطر اشتباهات ساده و طبیعی.

- کمک کردن بیش از حد به شاگردان خصوصاً شاگردان خورد سال، و ندادن فرصت به آن ها که خود شان از طریق تجربه کردن و کوشش نمودن بیاموزند.
- انتقاد گرفتن به شکل تند، غیر منصفانه وبی حد زیاد.
- سرزنش کردن بی مورد.
- لت وکوب کردن.
- ندادن فرصت به شاگردان که خود تصمیم بگیرند و انتخاب کنند. وهمچنان به شخصیت و آرای شان ارزش ندادن و احترام نکردن.
- اجازه ندادن به شاگردان که سوال کنند.
- توقع داشتن از شاگردان که تنها با مشاهده کردن؛ شنیدن و خواندن بیاموزند و مساعد نکردن فرصت برای سهم گیری آن ها درکار مشترک.

بعضی از روش های بزرگ سالان که در رشد سالم شاگردان ممد واقع می شوند:

- اعتقاد به این که سر زدن اشتباهات یک بخش طبیعی رشد و نمو می باشد. شاگردان را بگذارید که مرتکب اشتباهات شوند واز آن بیاموزند.
- توجه به سوال ها، قصه ها و تبصره های شاگردان .
- دادن فرصت انتخاب به شاگردان و این به معنی اعتماد کردن بالای شان است.
- گماشتن شاگردان به کار های مفید که خود شان انجام دهند. شاگردان از بازی ها و انجام دادن کار ها به دست خودشان، بهتر می آموزند.

مراحل طبیعی رشد شاگرد

همزمان با رشد ونموی جسمی شاگردان، ذهن، روان، همچنان سلوک، رفتار و نیاز مندی های آن ها نیز تغییر و انکشاف می کند.

مراحل رشد شاگردان را می توان قرار ذیل تصنیف نمود:

- از تولد الی شش سالگی
- از شش الی دوازده سالگی
- از دوازه الی هجده سالگی

این تصنیف به خاطری صورت گرفته است که شاگردان در هر یک از مراحل فوق، نیازمندی ها و علاقه مندی های متفاوت دارند.

اول) از تولد – ۶ سالگی (سن قبل از مکتب)

دنیا برای یک طفل نوزاد نا آشنا می باشد. برای اینکه چگونگی اشیای چهار اطراف خود را درک کند ذهن و روان یک طفل نو تولد شده متوجه دنیای مادی و فزیکی می باشد؛ می خواهد هر چیز را لمس کند، به هر شی کوچک متوجه می شود و راجع به اشکال اشیا و رنگها می آموزد. در مورد وجود بدن خود می آموزد. بناء به فعالیت های جسمی ضرورت دارند. یک کار خیلی بسیط را با انجام مکرر یاد می گیرد. مرتب کردن اشیاء را خوش دارد و تغییر در اشیا را دوست ندارد اطفال دراین عمر عموما سلیقه و نظم را رعایت میکنند.زیرا در دنیای کوچکش به نظم و نسق نیاز دارد.

اطفال در این مرحله خوش دارند که کارهای خانه را که معمولاً برای شاگردان کلان سال وجوانان خسته کن می باشد انجام دهند. انجام دادن همین نوع کارهاست که به رشد ذهنی، روانی وجسمی طفل کمک می نماید. اکثراً می خواهند تنها کار کنند وتنها بازی کنند. دنیای تفکر اطفال در این مرحله راست وساده می باشد. کاربرد جملات کوتاه و ساده را خوش دارند و مشتاق دانستن نامهای اشیا میباشند. در ین مرحله ذهن طفل خیلی حساس بوده او بیشترین کلمات را در ظرف دو سال اول نسبت به تمام سالهای عمرش فرا می گیرد.

دوم: ۶ – ۱۲ سالگی (سن مکتب دوره ابتدائیه)

در این مرحله شاگرد با دنیای محسوس مادی و فزیکی آشنا و جسماً قویتر شده و به آسانی تفاهم کرده میتواند. ذهن او به طرف دنیای بزرگتر توجه پیدا میکند، جسما و ذهناً علاقمند جستجو و کاوش می باشد. به هر چیزعلاقه می گیرد. ذهن او آماده درک وشناخت اشیاء می باشد. در ذهنش تصورات زیاد پیدا می شود و از شنیدن قصه ها و افسانه ها لذت می برد.

میخواهد چگونگی فعالیت، اشیای دور و پیش خود را بداند از اشیائیکه خود قبلاً نه دیده و نه لمس کرده است، بیشتر از تصور ما می آموزد. ألبته بشرط اینکه تشویق شده وذهن شان تحریک شده باشد. نکتهٔ مهم اینست که شاگرد باید به اشیای اطراف وجهان علاقه مند ساخته شود. درین مرحله شاگرد بسیار متجسس بوده می کوشد مفاهیم درست ونادرست یا صحیح و غلط را بداند. در این است که ارزش های مانند عدالت و اخلاق را در خود انکشاف می دهد. اگر درین مرحله یک شاگرد به بی عدالتی و بی انصافی مواجه ساخته شود او در تفکیک خوب و بد (صحیح و غلط) در ابهام واقع می شود و احساس گنگ و مبهم در وی رشد می کند. شاگردانی که عمر شان بین 6 و 12 است غرض رشد اراده و سلوک درست به ازادی انتخاب و عمل ضرورت دارند – البته ازادی محدود، غرض رشد شخصیت که در آن، باید حق اشتباه کردن و انتخاب به شاگردان داده شده است.

درین مرحلۀ شاگردان راجع به جامعه وجهان و سیع می آموزند و بسیار اجتماعی میباشند. بناء داشتن دوستان وهمبازی ها برای شان بسیار مهم است. هم بازی های که با ایشان یکجا کار وبازی کنند. شاگردان در این مرحله گروه های خویش را مانند یک جامعه دانسته گپ زدن ومکالمه با یک دیگر را می آموزند و به این ترتیب جز جامعه بشری میگردند.

سوم: ۱۲ – ۱۸ (دورهٔ مکتب ثانوی)

در این سن، شاگرد به مرحلۀ نو جوانی داخل میشود؛ ذهن وی به مسایل عملی زنده گی ، مثل کار کردن در بدل مزد و کردار و رفتار در جامعه وغیره مواجه می شود. همزمان با تغییر جسمی ذهن شاگرد نیز تحول می کند. گاه گاه به اضطراب و سراسیمه شدن نیز دچار می شود. لازم است در این مرحله برای شاگرد، حدود اخلاقی و تربیتی خاص تعیین شود مثلاً در ساحه احترام ، سلوک و برخورد با دیگران.

یک امر خیلی مهم در این مرحله اینست که شاگرد به کار کردن وداشتن عاید پولی آشنا ساخته شود تا قدمی به سوی یک شخصیت مستقل برداشته بتواند. در این مرحله به شاگرد باید مسؤلیت های بیشتر تفویض شود وبا وی مثل یک نو جوان رفتار شود که توانای هایش بالا و بیشتر ا ز یک شاگرد است.

- قابل یاد آوری است که این مراحل و سن ها عام اند وشاید بر تمام شاگردان دقیقًا تطبیق نشوند؛ اما در مجموع هر شاگرد از این مراحل می گذرد. در هر شاگرد از مرحله ایکه ذهن وی به جهان ملموس مادی متمرکز بود به مرحله ایکه ذهنش کنجکاو شده، می خواهد از دنیای وسیع تر برونی، آگاهی داشته باشد، رشد می کند. (یک نوجوان می خواهد بداند که دنیای دور و پیش وی چطور در فعالیت است و جایگاه و مقام وی در آن چیست) و بی صبرانه می خواهد یک شخصیت مستقل در اجتماع باشد.
- برای معلم این خیلی مهم است که برای شاگرد در هر مرحله مطابق ذهن و استعداد وی زمینۀ فعالیت را فراهم سازد تا به شکل طبیعی و سالم رشد نماید. طوریکه خداوند(ج) به هر کس استعداد نمو و رشد به ودیعت گذاشته است، باید کوشش کنیم تا هر شاگرد مثل درخت قوی و مستقیم نمو کند، نه مثل درخت کج و ضعیف.
- اکنون به حیث معلمان باید از خود بپرسیم که چطور می توانیم طرز تدریس وبرخورد خود را با شاگردان بهبود بخشیم. حال که نیازمندی های هر مرحله را می دانیم، چطور می توانیم در رشد بهتر وسالم شاگردان خود را کمک نمائیم.؟

مشخصات مراحل رشد و نیازمندی های آموزشی شاگردان

سن	مشخصات	سلوک و نیازمندی های نتیجه مدار	*تنظیم نمودن طرز تدریس و اثر متقابل*
۶- ۵	حواس خیلی حساس می باشد وشاگرد از پژوهش جهان محسوس مادی فزیکی می آموزد.	هر چیز برایش نا اشنا است شاگرد هر آنچه را که دستش به آن می رسد، لمس می کند. راه رسید رامی آموزد، هر چیز را جدی مراقبت می کند، به هر چیز کوچک ملتفت می شود .	محیط فزیکی باید محفوظ باشد تا شاگرد بتواند کاوش کند. حرکات شاگرد نباید محدود ساخته شود . به شاگرد اشیای بازی داده شود تا با آن ساعت تیری نماید و اشیای که ازآن حرارت و برودت، رنگ، صدا و بوی محسوس شود برایش داده شود.
	فراگیری زبان انکشاف می کند	شاگرد بطور طبیعی کلمات را می آموزد اما توضیحات طویل خوش اش نمی آید. او میخواهد نام اشیا را بداند.	به هر اندازه ایکه ممکن باشد با شاگرد مکالمه شود و برایش کتاب وغیره خوانده شود.
	به تحفظ، آرامش و احساس امنیت ضرورت دارد.	شاگرد از گذاشتن دوباره اشیا در جایشان با نظم و ترتیب لذت می برد و از تغییرات در محیط خوش می شود.	کوشش نکنید که در محیط شاگرد تغییرات بیاورید. محیط شاگرد (خانه، صنف) را نظیف و منظم نگهدارید.
	با انجام دادن کار با دستان خودش بهتر می آموزد.	شاگرد با انجام دادن کاری در مکتب ویا خانه خوش می شود. آگر مسؤلیتی کوچکی به وی سپرده شود به خوشی انجام می دهد.	برای شاگرد زمینه ومحیط کار را تهیه نمائید، تا با ارتکاب اشتباهات متعدد یاد بگیرد، بدون اینکه سر زنش شود.
	با تکرار عمل می آموزد	شاگرد یک عمل را بارها تکرار میکند و کمتر احساس خستگی می نماید.	شاگرد را بگذارید تا یک عمل را باربار تکرار کند و در کارش هر گز مداخله نکنید.
۶-۱۲	تصور وتخیل بسیار قوی می باشد.	از طریق شنیدن قصه ها و از درامه ها بهتر می آموزد.	معلمین باید درسها را به شکل قصه ترتیب وبیان کنند و هر گاه ممکن باشد به شاگردان اجازه دهند که قصه بگویند:
	خیلی اجتماعی می باشد و روابط خوب با دوستان خیلی مهم است	کارهای دسته جمعی را بسیار ،دوست داشته کار و تنهایی را خوش ندارد	معلمین باید کارهای دسته جمعی را در تدریس خود اضافه کنند وبه شاگردان اجازه وفرصت بدهندکه به شکل گروهی فعالیت نمایند.
	ذهن توسعه پیدا میکند تا دنیای وسیعتری را شناسایی کند و مایل است توضیحات و دلایل را بشنود.	شاگرد کنجکاو میباشد وآماده است هر چیز را بداند، اگر تشویق شود توانائی کافی برای آموختن را دارد (اما اکثرااین توانایهای شاگردان بهٔ دست کم گرفته می شود).	معلمین آنچه را تدریس می کند باید به آن دلچسپی داشته باشند وبخاطر علاقه مند کردن شاگردان، باید بایدآن ها را به رقابت وادار نمایند.
	جسم قوی ترشده برای اکتشاف جهان بزرگتر محسوس مادی (فزیکی)	ضرورت دارد تا آنچه را فکراً آموخته است با اشیای مادی، فزیکی محسوس وفق دهد. و می خواهد آزادانه و مستقل پژوهش کند.	معلمین باید شاگردان را کار های تحقیقی بیرون از صنف بگمارند (در طبیعت یا در بین مرد بطور مثال فعالیت انجمن ها، اجتماع ها وغیره)
	حس قوی و حساس در برابر غلط و صحیح	ضرورت دارد تا اُصول وقواعد را با دلایل آن بداند. می خواهد با وی رفتار و سلوک نیک شود حق و زمینه انتخاب خوب و بد برای**ش داده شود**.	معلمین باید دلایل اصول وضوابط را بحث کنند. در رفتار وسلوک با شاگردان خیلی محتاط باشند. نمونه خوب قضاوت کردن را در صنف ودر اجتماع به نمایش بگذارند برای شاگردان زمینه و فرصت های انتخاب خوب و بد تصمیم گیری فراهم سازند.
۱۲-۱۸	تحول به طرف جوانی	اکثراً احساساتی می شوند، سلوک ورفتار شان متناقض بوده جدل و بحث می کند و درعین حال نا مطمئن می باشد.	معلمین و (والدین) باید شکیبائی داشته و درعین حال حدود استوار ومشخص در بخش اخلاق، سلوک احترام و تربیه وضع کنند.

	تحول به طرف متکی بخود شدن	بعضی اوقات مداخله کلان سالان را در کارها یشان را بد می بینند و خشمگین می شوند.	معلمین (و والدین) باید به شاگردان مسولیت های را تفویض کنند. درس های عملی زندگی را برای شان بیان کنند. معلمین باید به شخصیت شاگردان ارج بگذارند وبا ایشان مثل کلان سالان رفتار نمایند.
	تحول به طرف کار کردن	می خواهد کار کند و می خواهد عاید داشته باشد.	کار مکتب باید تا حد ممکن عملی باشد بطور مثال: استعمال عاقلانه ومناسب پول را به شاگردان یاد دهد.

وقتی که راجع به رشد شاگرد خصوصا مراحل مختلف آن، آموختیم، می توانیم شاگرد را بهتر بشناسیم، یک معلم خوب برای شاگرد شویم و رفتارسازنده ای را در برابر وی پیش گیریم.

بخاطر تطبیق آنچه آموخته اید، بر سوالات ذیل با همکاران تان بحث کرده و جواب های آن را تهیه نمایید.

شناخت وآشنائی با مراحل رشد شاگرد چه تاثیرو تغییری در سلوک وعملکرد شما به حیث معلم می گذارد؟

برای اینکه شاگرد از نظر ذهنی، عاطفی و روانیً به شکل طبیعی (و مستقیم مثل یک درخت تنومند) رشد کند (نه اینکه از درون کج و از محیط ناسالم و از سلوک و رفتار نا در ست اثر بگیرد)، بزرگان باید نیازمندی های شاگردان را درک کنند و بخاطر تهیۀ محیط سالم، اصول ذیل را در عمل تطبیق نمایند:

مثال اول: یک شاگرد پنج ساله در بستن بند بوت خود، وقت زیاد می گیرد:

قبل از درک وشناخت

معلم برای چند دقیقه بی صبرانه انتظار میکشد، سپس شاگرد را متوقف ساخته دستان خود را به عقب می زند وخود شروع به بستن بندهای بوت شاگرد می کند. وی فکر می کند که شاگرد را کمک کرده است؛ اما در حقیقت شاگرد را از آموختن باز داشته است. پیا می را که این شاگرد اخذکرده، اینست "که او از انجام آن کار عاجز بوده است".

بعد از درک وشناخت نیازمندی های شاگرد

معلم در بسته کردن بند بوت شاگرد را آزاد می گذارد. در عوض با خاموشی وشکیبائی انتظار می کشد تا شاگرد بسته کردن بند های بوت اش را خود بیاموزد. اینجاست که شاگرد احساس موُفقیت کرده واعتمادش به خود بالا می رود. اگر شاگرد از بستن عاجز آید، معلم از شاگرد می پرسد که اگر به کمک ضرورت داشته باشد، تا شاگرد نخواهد، معلم به کمک او نمی شتابد.

مثال دوم: (شاگردان صنف چهارم)

(شاگردان صنف چهارم که نه سال عمر دارند دایما باهم گفتگو می نمایند، یکجا کار میکنند وبه سوالهای یکدیگر پاسخ میدهند:

قبل از درک وشناخت

معلم فکر میکند که شاگردان در صنف شوخی میکنند؛ مکررا به صدای بلند به آنان دستور می دهد که خاموش شوند، بایکدیگر مطالعه نکنند، سخن نزنند و به تنهایی کا رکنند.

بعد از درک وشناخت

معلم درس ها را طوری مر تب می نماید که شاگردان (سن ۶-۱۲ سال) بیشتر به کار های دسته جمعی مشغول شوند. در نتیجه شاگردان از انجام دادن کار دسته جمعی و از یکدیگر بهتر می آ موزند.

مثال سوم: (شاگردان صنف پنجم)

شاگردان صنف پنجم که ده سال عمر دارند در اثنای خواندن درس تاریخ بسیار خسته معلوم می شوند.

قبل از درک وشناخت

معلم به غضب می شود وبه عصبانیت بر آن ها چیغ میزند و یا آن ها را مورد تحقیر و توهین قرار می دهد. با ایجاد ترس وتحقیر شاگردان را مجبورمی سازد که متوجه به درس شوند.

بعد از درک وشناخت علاقه مندی وکاوش های ذهنی شاگردان

معلم می داند که شاگردان (بین سنین ۶-۱۲) ضرورت دارند تا تخیلات وتصورات مورد علاقهٔ شان را بکار اندازند، بناءً درس های تاریخ را به شکل داستان های مهیج تشریح می کند وبه شاگردان مجال می دهد که نقش قهرمانان داستان را بازی کنند. برای کاربرد بیشتر تخیل از آن ها می پرسد که سناریوی بعدی داستان چه خواهد بود. حدس بز نند وتشریح کنند.

یک شاگرد شش ساله بازحمت فراوان حروف هیجا را درست می نویسد.

قبل از درک وشناخت

معلم فکر میکند (که شاگرد که خیلی کند است. بر علاوه اینکه به وی استهزا کنان می گوید که "کند و تنبل هستی وی رابه نوشتن مکرر عین حروف در کتابچه اش مجبورمی سازد. با آنکه این روش شاگرد را در آموختن کمک نمی کند. شاگرد مجبور ساخته شده است که بار بار غلطی ها را تکرار نوشته کند و تلاش میکند که پنسل را درست بگیرد.

بعد از درک وشناخت نیاز مندی های شاگرد

معلم شاگرد را بیرون صنف می برد که با انگشت خود بالای خاک حروف را نوشته کند. این تنوع سبب تفریح شاگرد شده علاقه اش را بر می انگیزد. معلم به یک شاگرد کلان تر میگوید که با انگشت یک حرف را بر خاک درست بنویسد و از شاگرد می خواهد که از آن تقلید نماید. بدین ترتیب شاگرد توانائی نوشتن حرف را از طریق تمرین دلچسپ، می آموزد.

بار دیگر (ممکن بعد از چند روز) معلم از شاگرد می خواهد که همان حرف را با چوب بالای خاک بنوسید. بعد از چند روز تمرین شاگرد به نوشتن با پنسل در کتابچه اش می پردازد.

مثال پنجم: (شاگرد ۱۱ ساله وکنجکاوی در مورد دنیا):

یک شاگرد ۱۱ ساله در صنف سوالهای زیاد آفاقی می نماید که خارج از موضوعات متن کتاب اند. بطور مثال در مورد کرۀ زمین، آسمان، کشور ها وکاینات سوال می کند.

قبل از درک وشناخت

معلم بی حوصله وعصبانی می شود. فکر می کند که شاگرد قصداً مزاحمت می کند وبی ادب است. به عصبانیت می گوید که دیگر سوال نکند واز دادن جواب به سوال هایش خود داری می کند. خصوصاً وقتیکه معلم جواب سوالها را نداند.

بعد از درک وشناخت کنجکاوی شاگردان

معلم به سوالهای شاگرد به وجه أحسن جواب میدهد. بر علاوه، سعی میکند تا کتاب ویا نقشه ای را جع به جهان پیداکند و به شاگرد بدهد تا خودش بخواند(اگر این شاگرد ویا سایر شاگردان دیگردلچسپی داشته باشند). اگر معلم کسی دیگری را که به سوالها جواب بهتری داده می تواند سراغ داشته باشد. به حیث معلم یا مهمان به صنف دعوت می کند.

واگر معلم از جواب به سوال از فوق الذکر عاجز ماند. باز هم شاگرد را نا امید نساخته، وی را تشویق می نماید تا سوال نمودن را ادامه بدهد. البته آنچه را معلم نمی فهمد با خودش بیرون نویس نموده در جستجوی جواب می شود.

تطبیق

حالتی را در نظر تان مجسم کنید یا به یاد بیاورید که در مقابل سلوک یک شاگرد ویا یک شاگرد بی حوصله شده اید. اکنون همانً حالت را تشریح کنید.

- کدام حالت بود که شما را بی حوصله ساخت؟ لطفا به تفصیل شرح بدهید.
- چرا بی حوصله شدید؟ تشریح کنید
- شاگرد چند سال عمر داشت؟
- عکس العمل شما در مقابل وی چه بود؟ شما باید چه می کردید تا عکس العمل تان مطابق نیاز شاگرد می شد؟

مشکلات و نیازمندی های شاگردان در مکاتب

این موضوع با معلمان کمک خواهد کرد که در رابطه با مسایل ذیل معلومات حاصل بدارند:

- ابعاد مختلف شناخت شاگردان.
- عوامل ابعاد مختلف رشد و نموی شاگردان و عوامل مؤثر آن ها.
- اهمیت شناخت شاگردان برای معلمان.
- ارتباط بین روش های تدریس و شناخت شاگرد.

مشکلاتی که شاگردان در روزهای نخستین مکتب به آن مواجه می شوند

بعضی مشکلات شاگردان در مکاتب از نوعی می باشد که میتواند با بعضی از اقدامات معلم رفع شود؛ مگر انواع دیگر آن به مساعی دراز مدت ضرورت دارد.

بعضی مشکلات و ضرورت های شاگردان در روز های اول مکتب که معلم می تواند در رفع آن موفق شود، قرار ذیل است:

- ترس از معلم و ترس از شاگردان دیگر.
- ترس از اشتباه کردن.
- نابلدی با مقررات.
- نابلدی با مکتب.
- بیان ضرورت ها و مشکلات.
- از دیگران کمک خواستن.
- معلومات در باره رفع ضرورت های انسانی (مخزن آب، گرسنه گی)
- اعمال غیرعادلانه معلم.
- وظیفه خانگی داده شده ی که به آن آشنایی ندارند.
- عقب ماندن از هم صنفیان دیگر.

آن ضرورتها و مشکلاتی که به سعی دراز مدت شاگردان و کمک های دیگران احتیاج دارند قرار ذیل اند:

- محیط نا آشنا
- دوری از مادر و پدر
- کمبود قابلیت برای تمرکز فکری دراز مدت

- به زبان کتاب و مکتب نفهمیدن
- مریضی
- کم جرأتی
- داشتن مشکلات در آموختن
- ضرورت های خاص آموزش
- ضرورت های هیجانی مانند ناز دانه بودن، خاموش بودن، کم حوصله گی، بی جرأتی و امثال آن .

اگر این نوع مشکلات حل نشوند، در آموزش شاگردان و در مورد آماده گی گرفتن برای آموزش اثر منفی وارد می کند. بعضی از اثرات منفی، آن مشکلات مؤقتی شاگردان می باشد و بعضی از آن ها اثرات منفی دراز مدت دارد.

معلم باید در روز های اول مکتب در رفع این مشکلات با شاگردان کار بکند. این کار با شاگردان کمک می کند که از یک طرف خوشحال به مکتب بیایند و از طرف دیگر برای آن ها در راه پیروزی بر مشکلات دیگر توانمندی می دهد.

چطور می توان با شاگردان کمک کرد که نیاز مندی های آن ها مرفوع گردد؟

آشنا ساختن شاگردان درچند روز اول با تعمیر و محیط مکتب قدم اول است تا باشد شاگردان صنف، محل آب و رفع حاجت خود را بتوانند پیدا کنند. معلم باید برای شاگردان در باره مقررات صنفی معلومات بدهد که به طور مثال، در وقت رفع حاجت هیچ کدام ممانعت وجود ندارد و تنها به بلند کردن دست به آن ها اجازه داده می شود و امثال آن.

این هم یک موضوع خیلی مهم است که معلم خاصتاً در روز های اول مکتب درباره شاگردان طوری فکر کند که آن ها در مکتب در باره بلدیت و رعایت مقررات، جای، محیط، قیود و امثال آن به دقت و فهمیدن ضرورت دارند. پس در این روز ها هیچ عمل شاگردان را باید غلط نشمرد، بلکه در برابر آن ها باید از تحمل زیاد کار بگیرد و در برابر هر عمل نادرست آن ها باید آن ها را رهنمائی کند و باید رفتار یا عکس العمل تند در مقابل آن ها صورت نگیرد.

شاگردان باید اعتماد به نفس پیدا کنند که بعداً این کار در زمینه حل مشکلات شرط اولی به حساب می رود. شاگردان باید به این مطمئین شده و بفهمند که غلطی های آن ها تحمل می شود. مگر آن ها باید بعضی چیز ها را بیا موزند. کار های خوب شاگردان باید ستایش و تقدیر شود تا بالای خود اعتماد حاصل کرده و خود را راحت احساس نمایند. در مورد بعضی ضرورت های متفرقه این کار خوب خواهد بود که معلم به شاگردان خود از رهنمائی اضافی کار بگیرد. (مثلاً: جنگ کردن کار بد است، اگر کسی گرسنه شود، کار خوب آن خواهد بود که از خانه با خود نان خشک بیاورد و در وقت تفریح آن را بخورد، مکتب را مثل خانهٔ

خود بداند و اگر کدام مشکل داشته باشد آن را به من بگوید و امثال آن). این نکته هم اهمیت زیاد دارد که معلم باید نام های شاگردان را بداند و به آن ها احترام قایل شود. معلم باید شاگردان را به نام های بد یا نام پدر آن ها (مثلاً: پسر فلانی یاد نکند.)

پیشنهاد ها و نکات قابل بحث برای معلمان

معلمان گرانقدر! شما در باره سوالات ذیل بحث کنید:

- آیا شاگردان شما از لحاظ داشتن مشکلات ورفع کردن آن یکسان اند؟
- شما شاگردان خود را در صنف بنابر کدام ملحوظات و به چند نوع می توانید تقسیم کنید؟
- آیا شما در صنف یا صنوف خود شاگردانی دارید که در آموزش مشکل داشته باشند؟ آن ها چرا به این مشکلات مواجه اند یا چرا این نوع مشکلات را دارند؟ شما برای این نوع شاگردان چه کاری را می توانید انجام بدهید؟

اگر شما در صنف خود شاگردانی داشته باشید که دارای خصوصیات ذیل باشند، در مورد آن ها چه می کنید؟

- یک شاگرد مربوط یک خانواده خیلی غریب و مستمند است یا سرپرست ندارد و مجبور است که در خانه بعد از وقت مکتب کار کند و شما نیز درجریان هستید درس های خود را خوب نمی فهمد.
- یکی از شاگردان خیلی لایق، مستعد و ذهین است و وظایف خود را نظر به هم صنفان دیگر خود از هم بیشتر خلاص می کند و بعداً در برابر دیگران مزاحمت ایجاد می کند.
- یکی از شاگردان شما لکنت زبان دارد؛ وقتی به جهر درس می خواند، دیگران به او می خندند. شما با این نوع شاگردان چه رویه را در پیش می گیرید؟

سهیم ساختن همه شاگردان در فعالیت ها

هر شاگرد بخاطری به مکتب می رود که چیزی بیا موزد؛ ولی از جانب دیگر همه شاگردان از یک دیگر خود فرق دارند و خصوصیات و ویژه گی های قابلیتی خاص دارند. شاگردان ظرفیت های خاص، علایق و مراحل رشد ذهنی و هیجانی ویژه دارند. علاوه بر این، شاگردان به انواع و اشکال مختلف می آموزند؛ از کتاب تشریحات معلم، از رفقای خود و عدهٔ دیگر به شیوه دیگر، مگر یک عده دیگر آموزش دسته جمعی را می پسندند.

ولی مشکل عمده این است که از یک طرف تعداد شاگردان صنف زیاد می باشد و از جانب دیگر معلم به این مشکل روبه رو می شود که فعالیت های آموزشی را چطور طرح ریزی نماید تا همه شاگردان وی بیاموزند. علاوه براین، کمبود وقت و نبود مواد هم معلم را مجبور میسازد که به طریقه های محدود تدریس کند. نتیجه چنان می شود که بعضی شاگردان خوب می آموزند و عدهٔ دیگر در عقب می مانند. در نتیجه این کار از یک طرف، مشکلات آموزش یک عده شاگردان را زیاد می کند و عده دیگر می

توانند بیاموزند و از جانب دیگر از بابت ایجاد فاصله بین شاگردان با استعداد و ضعیف برای معلمان جریان تدریس مشکل می شود.

پس در این رابطه چه باید کرد؟

- معلم باید اول تر از همه شاگردان خود را از لحاظ خصوصیات آن ها بشناسد.
- درس باید طوری طرح ریزی شود که در آن فعالیت های متنوع آموزشی شامل باشد. بعضی مثال های آن تشریح موضوع از جانب معلم، کار جوره ای شاگردان، خواندن از روی کتاب، تجربه کردن، بحث گروهی، بازی ها، جواب دادن به سوالات، فعالیت های بیرون از صنف و امثال آن می باشند.
- برای شاگردانی که در آموزش مشکلات دارند، فعالیت های مناسب و کمک های اضافی مهیا نمایند. (این کار را خود معلم یا به کمک شاگردان می تواند انجام بدهد).
- معلم در وقت ارائه موضوع درس جدید باید سویه شاگردان را در نظر بگیرد، یعنی خود را باید مطمئن کند که همه شاگردان از آن مستفید شده می توانند.
- معلم تا حدی امکان از مواد مختلف درسی کار بگیرد.
- معلم غلطی های شاگردان را تحمل نماید، آن را اصلاح کند و شاگردان را هیچگاه تهدید نکند.
- معلم کوشش نماید که در جریان درس با تمام شاگردان رابطۀ درست داشته و آن ها را در روند تلاش شریک بسازد.

ما چطور می آموزیم

افراد به طریقه و روش های مختلف می آموزند. بعضی از طریقه ها و روش های که افراد (شاگردان و سالمندان) به اساس آن می آموزند، قرار ذیل اند:

- به واسطه گفتن: به گونه مثال به وسیله شنیدن، رهنمائی و بیانات مادران، پدران و معلمان، گوش گرفتن به رادیو.
- به وسیله خواندن.
- در رابطه به یک مشکل و طرق حل آن از طریق کوشش و فکر کردن در باره آن که این مشکل چطور حل شود.
- با تجربه کردن: برای حل یک مشکل پیشنهاد طرق مختلف حل و توجه به آن که کدام راه حل راه خوب است.
- تصویر و ترسیم یک رویداد یا داستان توسط خیال یا تصور.
- تقلید از مردم دیگر.
- آموزش معلومات(حفظ کردن) و از حفظ این معلومات در مورد موضوعات جدید استفاده کردن.

- از طریق مشق، تمرین دوامدار.
- هرکس از تمام طریقه های فوق الذکر و طریقه های جدید آموزش استفاده می کند، ولی بعض مردم با استفاده از بعضی طریقه ها می تواند یاد بگیرد. مگر با استفاده از بعضی طریقه های دیگر نمی تواند بیاموزد.

غالبا در مورد شاگردان فکر کردیم که آن ها دانا اند یا نادان، ولی اکنون می دانیم که انواع مختلف استعداد ها و جود دارند. به گونه مثال: همه معلمان می دانند که بعضی از شاگردان در ریاضی نظر به شاگردان دیگر خوبتر می دانند و عده دیگر آن ها در نوشتن کلمات به مقایسه دیگران استعداد خوب دارند، بعضی شاگردان حافظه خوب دارند و عده دیگر در خطاطی و رسامی دارای استعداد خوب اند. بعضی از آن ها مبتکر و عده دیگر آن ها ...... می باشند.

قبلاً راجع به لایق بودن و نالایق بودن آن ها فکر می کردید، و لی تفاوت ها در واقعیت امر استعداد می باشند. استعداد ها انواع مختلف دارند و از همدیگر تفاوت دارند.

بعضی وجوه و ابعاد استعداد ها قرار ذیل اند

- استعداد های عددی: استعداد خوب در حساب الجبر، حفظ تعداد نفوس در جغرافیه و استعداد به خاطر داشتن رویداد و مناطق در تاریخ.
- استعداد های بصری: ظرفیت ها در هندسه، تصویر، جغرافیه، در کشیدن نقشه ها.
- ذکاوت هیجانی: فهمیدن اینکه مردم دیگر چطور احساس می کنند، استعداد در نوشته ها ابتکاری، اشعار، داستان ها و غیره.
- ذکاوت زبانی: استعداد در نوشتن، خواندن و گرامر (دستور زبان).
- ذکاوت منطقی: استعداد در تحلیل دلایل، فهمیدن دو یا سه دسته استعداد ها انجام میشود. تعداد زیاد مکاتب انواع دیگر استعداد ها را نادیده می گیرند و آن را از نظر می اندازند. به طور مثال، ابتکار، حساسیت، تخیل، ایجاد و تجربه را معمولاً تشویق می کنند. نتیجه این کمی ها و کاستی ها در مکاتب برای استعداد ها برای منابع با ارزش بشری کشور زیان زیاد دارد. (مثال: البرت انشتاین که عالم و ساینس دان مشهور بود وقتی در پوهنتون در خواستی تحقیق خود را پیش کرد، معلمان و استادان فکر می کردند که او یک شخصی نا منظم و غیر قانونی است و دارای ذکاوت عالم شدن نمی باشد. بنابر آن، در خواستی او برای تحقیقات علمی در پوهنتون قبول نشد.

برای به سر رسانیدن همه این عملیه ها باید نکات آتی در نظر گرفته شود:

- فهمیدن به این که همه شاگردان دارای استعداد ها و ضعفها می باشند.

- تشخیص استعداد ها و ضعف های شاگردان در تمام صنوف تا حد ممکن (بدون شک در صنوف بزرگ کنترول این کار مشکل است).
- طرح فعالیت های صنفی به شکلی که شاگردان را به روشهای مختلف برای آموزش آماده بسازد.
- همکاری ا شاگردان در مورد رشد استعداد های آن ها.
- کمک با شاگردان در مورد نکات ضعف آن ها و طریقه های مبارزه و قابلیت برای شناخت نکات مذکور.
- به همه شاگردان ارزش دادن نه آن که تنها به شاگردان لایق توجه مبذول گردد. شاگردان که در اول ذکی معلوم نمی شوند، امکان دارد که استعداد های نهفته آن ها آهسته آهسته به شکل تعجب آور آشکار شود.
- درک و فهم اینکه همه شاگردان حق مساوی تعلیم و تربیه را دارند.
- باید بدانیم که تدریس به شاگردان ذکی و مستعد کار آسان است، مگر چالش واقعی به شاگردانی است که برای آن ها درس ها مشکل باشد. شاگردان ذکی و با استعداد در هر حالت آموخته می توانند، ولی شاگردانی که دارای استعداد کم اند به تربیه و تدریس خوب ضرورت دارند.

پیشنهاد ها و نکات قابل بحث برای معلمان

- آیا این کار خوب خواهد بود یا کار بد که از شاگردان تقاضای اجرای یک نوع فعالیت نماییم؟ چرا؟
- اگر به شاگردان فعالیت خیلی آسان داده شود آیا این کار به نفع شاگردان مستعد خواهد بود یا شاگردان کم استعداد؟ چرا؟

در مضمون خود از نوع مثالهای فعالیت های نام بگیرید که هم آن ها را به آسانی بتوانید تهیه کنید و هم بتوانید با سهم گیری همه شاگردان اجرا شود.

مواد ممددرسی

مواد ممد درسی و فواید آن

استفاده ازمواد ممدرسی در تعلیم وتربیه از قدیم را یج بوده. معلمان ماهر واستادان فنی سعی ورزیده اند تا طرق وراه های را جستجو کنند که بوسیله آن بتوانند مطالب ومفاهیم را به شاگردان آسانترو بهتر انتقال بدهند.

در ارشادات وتعلیمات اسلامی برای وسایل آموزش، که در تدریس نقش مهم دارد، اهمیت زیاد داده شده است. در قرانکریم بارها از (لوح وقلم) اثنای ارایه ارشادات وتبلیغ به منظور وضاحت خوب موضوع بالای زمین توسط وسایل مخصوص خطوط را می کشید. امام غزالی(ح) در تالیفات خویش وسیله اساسی معرفت را تجربه نشان داده است، که در حقیقت تجربه بدون مواد امکان ندارد. فیثاغورث فیلسوف یونانی برای واضح ساختن مطالب ومفاهیم کار خویش، از اشکال هندسی استفاده می کرد.

تعریف

مواد ممد درسی عبارت از اشیا و وسایل اند که معلم وشاگردان را برای بدست آوردن هدف درس کمک می نماید. ویابه عبارت دیگر مواد ممد درسی عبارت از اشیا وچیز هائی می باشد که در محیط وماحول معلم به آسانی پیداشده ودر تدریس از آن ها استفاده صورت میگیرد. ویاهر چیز یکه در محیط موجود بوده وبرای عملیه آموزش بطورمناسب استعمال شده می توانند، به نام مواد ممد درسی یاد می گردد.

اهمیت مواد ممددرسی

یک شخص می خواهد (**30**) کیلو متر فاصله راطی نماید، هرگاه شخص مذکور پیاده برود کم از کم (۱۰) ساعت وقت به کار است و اگر از وسائل کار بگیرد در وقت کم به هدف خواهد رسید. وسایل مانند بایسکل، موتر وتلیفون را در نظر می گیریم. هرگاه شخص مذکور توسط بایسکل فاصله ذکر شده راطی نماید (۵) ساعت و اگرتوسط موتر آن را طی کند به نیم ساعت و اگر از راه تلیفون مشکلات خود را حل نماید امکان دارد که در (۵) دقیقه به هدف برسد.

شاید معلم بدون مواد درسی هم شاگردان را مصروف نگهدارد، درحالیکه دلچسپی، سهولت ولذت که در پروسه تدریس در موجودیت مواد درسی برای شاگردان ومعلم نصیب می گردد، بدون موجودیت مواد به نظر نمی رسد. استفاده از مواد درسی در درس تنوع بوجود آورده وزمینه مشق وتمرین را آماده می سازد، آموزش را از شکل میخانیکی آن بیرون کشیده وبرای شاگردان آموزش را به شکل عینی ومشاهدوی تقدیم می نماید، وطوریکه از آموزش موقتی به آموزش دائمی تبدیل می گردد.

به کمک بعضی مواد تخنیکی مانند: پروگرام های تعلیمی، رادیو، تیپ ریکاردر، تلویزیون وغیره وقایع زمان گذشته را در وقت کم به شکل تمثیل به شاگردان می توان نشان داد که برای معلمان وشاگردان بسیار مفید ودلچسپ خواهد بود.

فواید مواد ممد درسی

1. شاگردان زیادتر فعال و متحرک بوده وتحرک حواس (باصره، سامعه، شامه و درک احساس) نیز صورت می گیرید. مثلاً: استعمال ساعت های کاغذی برای نشان دادن وقت.
2. درس بیشتر جالب وشنیدنی می گردد، معلم وشاگرد هردو زود به هدف می رسند.
3. مهارت های عملی تقویه می گردد، باعث انکشاف ذهن می گردد.
4. مهارت های افهام وتفهیم درشاگردان را تقویت می نماید.
5. موضوع درسی را به شاگردان آسان نموده ودرس خوب ذهن نشین می گردد.
6. شاگردان علاقه ودلچسپی نشان داده وخستگی را احساس نمی کنند.
7. تنوع در درس صورت میگردد وباعث ازدیاد معلومات می گردد.
8. مواد درسی باعث اجرای فعالیت شده وشاگردان ذریعه اجرا کردن می آموزند.
9. مواد درسی فرصت سهم گیری شاگردان راتزئید می بخشد.
10. تدریس رامجسم می سازد.

معلومات عمومی تنظیم صنف

بعضی نکات عمده

مسؤولیت یک معلم دربرگیرنده تنظیم و ترتیب موارد ذیل است:

- اشخاص(شاگردان/ شاگرد)
- وقت
- مواد درسی (کتاب ها، چارت ها، قرطاسیه، مواد درسی معلم .....)
- جای (صنف)

مسایل مربوط به تنظیم اشخاص

- تنظیم شاگردان در تمام صنف، گروه های کوچک، گروه دو نفری، به شکل انفرادی به اساس نو ع مضامین، وظایف آموزشی و اهداف درسی.
- انظباط صنف.
- تنظیم گروه های معین جهت انجام وظایف مشخص (به طور مثال پاک کردن صنف) و نیز سایر فعالیت های آموزشی.

مسایل مربوط به تنظیم وقت

- اطمینان در مورد تدریس کامل نصاب تعلیمی.
- اطمینان در مورد وقت مطابق نیازمندی های خاص شاگردان (شاگردان ، شاگردان لایق، شاگردان اعم از دختر و پسر با مشکلات و ناتوانی های فکری).
- اطمینان در مورد وقت کافی بخاطر انجام مهارت های عملی.
- اطمینان در مورد توحید فعالیت های مختلف.

مسایل مربوط به مواد درسی

- دسترسی و نگهداشت منظم مواد درسی در صورتیکه به استفادۀ آن ها ضرورت احساس شود.
- نگهداشت (جمع آوری صندوقچه ها با سایز های مختلف)
- نمایش کار های عملی (به بخش ذیل در مورد مسایل مربوط به جای) مراجعه نمایید.

مسایل مربوط به جای

- نظافت صنف.
- نمایش کار های عملی شاگردان.
- نمایشات جالب محیطی.

- حفظ چارت های روی دیوار صنف (تهیهٔ پوش های پلاستیکی و غیره).
- رهنمایی های عملی جهت نصب اشیا به دیوار صنف (نصب سیم و تار، تخته های نمایشی و سایر تخته ها برای نمایش).
- تنظیم فرنیچر (میز و چوکی) در صورتیکه موجود باشد (به ترتیب صنف ها، دایروی و حلقه ها).
- موقعیت تخته صنف.
- تشویق شاگردان جهت بالیدن به اعمال خوبی که آن ها انجام داده اند و شاگردان باید صنف را جای خود بدانند.

دو نکته عمده در تنظیم صنف

- رفع موضوعات مربوط به تدریس صنوف بزرگ (بیشتر از **40** شاگرد).
- کنترول صنف (استفاده از تمجید و مجازات).

دو طرح وسیع بخاطر کنترول صنف

1. کنترول با المواجه: یک معلم از طریق حضور خویش و بسیاری معلمان از طریق سخن گفتن به آواز بلند صنف را کنترول می نمایند. معلمان مجرب این امر را به صورت خوب انجام می دهند. معلم مجرب می تواند جلب توجه شاگردان را کسب نماید – معلم سوال می پرسد، شاگرد برای جواب سوال دست بالا می کند، معلم مجرب بیشتر توجه خویش را بالای تخته مبذول میدارد. تمام دروس به صورت کامل تدریس شود و در محراق توجه معلم قرار داشته باشد. یکی از مشکلات این است که معلم از توجه نمودن زیاد بالای تخته خسته می شود.

   مشخصات این طریقه: صدای اصلی که بگوش ما می آید آواز معلم هنگام پرسیدن سوال و گاه گاهی آواز شاگردان هنگام جواب دادن به سوال ها می باشد.

2. کنترول از طریق مصروف ساختن شاگردان در انجام اعمال به صورت گروهی. معلم در صورتی اداره کننده ای خوب شده میتواند که شاگردان را از طریق کار ها و اعمال که مورد دلچسپی آن ها قرار می گرد، مصروف نگهدارد. اکثر شاگردان تحت کنترول قرار دارند به خاطریکه مصروف به انجام اعمال که مورد دلچسپی و علاقهٔ آن ها قرار دارند، می باشد.

مشخصات این طریقه: صدای اصلی که بگوش ما می آید آواز شاگردان و هدایات گاه گاهی معلم می باشد.

تحسین وتنبیه

تحسین:

کوشش های متعلمین باید در نظر گرفته شود. سعی و تلاش در انجام اعمال بهتر از موفق شدن به اجرای اعمال می باشد. باید از انجام اعمال خوب تمجید و ستایش به عمل آید. لازم نیست هر عمل خوب و برخوردکی توسط شاگردان اجرا می شود تمجید و ستایش نمایم. تشویق شاگردان اهمیت دارد و از طریق نشان دادن علاقه به انجام کار و نیز تمجید صورت پذیرفته میتواند.

تنبیه (مجازات)

شاگردان را هرگز مورد لت و کوب قرار ندهید. لت وکوب به شاگردان ترس، خشونت و تحقیررا می آموزاند. لت کوب هرگز باعث بهبود سلوک نامطلوب (بد) شاگرد نمی گردد- شاگردان زحمت کش در انجام اعمال از خود شجاعت و جسارت نشان می دهند.

شاگردان را تحقیر ننمایید، در غیر آن خود را به انجام اعمال و رفتار بد تر عیار می سازند.

با شاگردانی که مرتکب رفتار بد می شوند صحبت نمائید و اطمینان حاصل کنید که آن ها متوجه اشتباه خود گردیده اند و آن ها را تشویق نمائید تا به رفتار خویش بهبود بخشیده و آن را تغییر دهند. ایجاد ارتباطات خوب بین معلم و شاگرد یک عامل قوی در رفع این مسئله بشمار می رود- شاگردان آن معلم را میخواهند خوشنود نمایند که مورد پسند آن ها قرار دارد و به او احترام قایل هستند. (یک معلم نیاز به هر دو دارد- شاگردان باید معلم را مورد پسند قرارد دهند و به او احترام نمایند.)

بدیل هایی برای مجازات جسمی

نوشتن سطر های طویل، تقلید از روی کتاب، کار اضافی و پاک نمودن صنف. شاگرد را در جریان تفریح در صنف نگهدارید و (از این فرصت بخاطر صحبت با شاگرد استفاده نمایید).

کوشش نمائید سبب بد رفتاری را در یابید. اکثراً شاگردان در اثر مشکل و پریشانی که آن ها در خانه (فامیل) با آن مواجه اند به انجام رفتار و اعمال بد می پردازند. آن ها در این شرایط مستحق مجازات نیستند. نظر غیر منصفانه به زحمت و کوشش های شاگردان باعث بهبود در مشکلات آن ها نمی گردد.

تحقیر: تحقیر نمودن شاگردان یک مشکل عمده بشمار می رود. این مشکل باید هر چه عاجل تر رفع گردد. هرگز به یک شاگرد اجازه ندهید شاگردان دیگر را مسخره کرده و بترساند. باید به شاگردان فهمانده شود که پالیسی مکتب تحقیر و ترساندن شاگردان را تحمل نمی نماید!

ترتیب، تنظیم وکنترول صنف

ترتیب و تنظیم صنف در بخش تربیوی شامل بوده و در بخش تعلیمی (تدریس) شامل نیست، زیرا ترتیب و تنظیم صنف زمینه را برای تدریس و شاگردان را برای درس آماده می سازد. و یااینکه ترتیب و تنظیم صنف عبارت از زمینه سازی برای تدریس است، یعنی اینکه شاگردان و صنف را معلم قبل از شروع درس آماده تدریس می سازد، تا آموزش و پرورش به صورت صحیح جریان پیدا کند. برای اینکه شرایط تدریسی مهیا شده بتواند برای معلم لازم است تا یک سلسله فعالیت ها را طوری انجام دهد که برای انتقال مطالب تعلیمی و تربیوی، امکانات مساعد شود و پروسه نیل به اهداف آموزشی و پرورشی به موفقیت انجام بپذیرد.

ترتیب و تنظیم صنف برعلاوه از اینکه جهت آسانی درس کمک و همکاری مینماید؛ برای آموزش شاگردان نیز زمینه را مساعد می سازد، پس لازم است که در هنگام داخل شدن به صنف نکات ذیل را در نظر بگیریم:

1- معلم باید در وقت داخل شدن به صنف آداب سلام دادن را مراعات نماید.

2- در صنف باید به پیشانی باز و آواز مناسب تکلم نماید.

3- معلم باید در بین صنف گشت و گذار نموده، بعد در جای مناسب ایستاد شود و همرای شاگردان احوال پرسی کند.

4- هرگاه کدام شاگرد مریض یا معلول باشد، آن را دلجوییی نموده و تسلیت دهد، اگر لازم باشد آن را از طریق اداره برای تداوی معرفی نماید.

5- معلم باید صنف را منظم بسازد،(ترتیب نمودن میز، چوکی، مواد درسی، تخته صنف .....) و تنظیم شاگردان از لحاظ قد برابری و دیگر تفاوت ها بین شاگردان.

6- دیدن نظافت شاگردان و به مهر بانی توصیه نمودن به آنان.

7- گرفتن حاضری شاگردان و در مورد اهمیت حاضری و عواقب خراب غیر حاضری را به ایشان توصیه نماید.

8- دیدن وظیفه خانگی شاگردان و اصلاح نمودن غلطی و نواقص آن.

9- تحریک نمودن شاگردان برای درس جدید(تولید انگیزه).

اهمیت و فواید بعضی از نکات اساسی ترتیب و تنظیم صنف در ذیل بحث می گردد:

سلام دادن

سلام کلام خداوند(ج) بوده، دروازه صحبت را باز ساخته و رابطه را بین معلم و شاگردان قایم می سازد، بخاطری که ما مسلمان هستیم در وقت داخل شدن به صنف باید به پیشانی باز و لهجه شرین و آواز مناسب به شاگردان (اسلام علیکم و

رحمه الله و برکاته) گفته شود که این عمل از یک طرف طریقه سنت است و از طرف دیگر درمیان شاگردان احساس خوشحالی را ایجاد کرده زمینه آموزش، محبت و اخلاص پیدا می شود.

احوال پرسی

به خاطر ایجاد رابطه نیک و نزدیک بین معلم و شاگردان، ضروری است که معلم از حال و احوال شاگردان خویش با خبر بوده در غم و شادی ایشان خود را شریک بداند و همچنان از مشکلات شاگردان با خبر بوده و در حل آن بکوشد. تا داشتن مشکل ممانعتی در آموزش شان ایجاد نکند.

نظافت

به خاطر پاکی و صفائی، معلمان باید نظافت لباس، موی، ناخن، پای ..... شاگردان را مد نظر داشته، فواید نظافت را بیان کرده و در بیماری های که از ناپاکی پیدا می شود و جلو گیری از آن ها توصیه لازم صورت گیرد و همچنان در مورد نگهداری میز، چوکی، دیوار هائی مکتب و صنف،...... توصیه شود تا شاگردان از آن ها درست نگهداری نمایند و در صورتیکه شاگردان از لباس فیشنی و وسایل تزئینی استفاده می نمایند باید آن ها را ممانعت نمود و همیشه ایشان را کنترول نماید و خود معلم نیز آن را مد نظر داشته باشد.

حاضری

حاضری شاگردان به وقت معینه در مکتب بسیار مهم بوده و معلمان باید در شروع سال تعلیمی به شاگردان توضیح دهند، که غیر حاضری بیجا سبب عقب مانی آن ها در دروس گردیده که اثرات منفی را در امتحان به بار خواهد آورد. حاضری باید در شروع ساعت درسی توسط نگران صنف گرفته شود و نباید چنین عمل نمایند که اگر کسی در ساعت دوم یا سوم به مکتب هم بیاید او را حاضر بسازد. این عمل شاگرد را بی مسولیت ساخته و تضاد را بین شاگردان به وجود خواهد آورد.

تنظیم فزیکی صنف

صنف باید به دو لحاظ تنظیم گردد.

الف: تنظیم صنف از لحاظ نشستن شاگردان.

ب: تنظیم صنف از لحاظ مواد.

الف: تنظیم صنف از نظر نشستن شاگردان

وقتیکه درس می دهید شاگردان خود را در صنف چطور می نشانید؟ یابه عباره دیگر وضع فزیکی اطاق درسی تان (صنف) چطور باشد. اطاق درسی(صنف)تا جائیکه ممکن باشد، طور مستریح و آماده یاد گیری و آموزش ترتیب داده شود. تنوع در ترتیب و

طرز نشستن شاگردان بالای تدریس و دلچسپی عملیه آموزش تأثیر به سزای دارد. معلم باید شاگردان را نظر به روش تدریس و فعالیت هائی عملی درس به اشکال مختلف و مناسب به آن فعالیت تنظیم نماید، اگر شاگردان چوکی ندارند و صنف نمی داشته باشند، معلم هدایت بدهد که شاگردان همراه با خود توشکچه ها بیآورند تا این گونه عوامل باعث بروز تکالیف دیگر جسمانی نگردد، وموقع رفت و آمد بوت های خود را منظم در یک طرف صنف بگذارند.

شاگردان که قد کوتاه دارند پیشروی صنف در قطار های اول جا داده شود، در نشستن حس شنوائی و بینائی شاگردان هم مد نظر گرفته شود. تغییر صنف از نظر نشستن شاگردان تغییر و تبدیل جاهای شاگردان را نیز در بر می گیرد. اگر شاگردان لایق عموماً در پیشروی صنف و شاگردان تنبل در آخر صنف می نیشنند و جای شان همیشه ثابت می باشد، این عمل باعث ایجاد تضاد و رقابت ناسالم در شاگردان می گردد. بناءً معلم بکوشد که جای شاگردان و ساختمان فزیکی صنف را تغییر و تبدیل نماید که این تغییر فواید ذیل را دارد.

1- باعث دلچسپی شاگردان می گردد.
2- یک نوع تغییر در کار و فعالیت می باشد.
3- شاگردان درس را خوب می آموزند.
4- برای تطبیق هر روش و فعالیت درسی زمینه را مساعد می سازد.
5- شاگردان به هر وضع و موقعیت عادت می کنند.
6- اضطراب از شاگردان دورشده و باهمدیگر روحیه همکاری پیدا می کنند.

ب: تنظیم صنف از لحاظ مواد

تنظیم صنف از لحاظ مواد نیز در آموزش شاگردان نقش بارزی دارد. معلم باید چارت ها و تصاویر را در صنف به صورت منظم نصب نماید، طوریکه همه شاگردان بتوانند از آن استفاده نمایند اگر دیوار های صنف خامه است معلم می تواند میخ ها را در چهار کنج صنف زده و طناب بزند(تار یا نخ باریک) در طناب چارت ها و تصاویر را نصب نماید.

این مواد نباید به شکل تحمیلی بالای شاگردان تهیه شود، معلم می تواند در ساعت درسی خویش به خاطر تهیه مواد کار هائی گروهی و یا انفرادی را انجام بدهد و نتیجه حاصله را در صنف نصب نماید.

مثلاً: در ساعت رسم به شاگردان گفته می شود که یک تصویر از فصل بهار را رسامی کنید، در ختم معلم می تواند تصاویر برازنده و خوب را بالای دیوار صنف نصب نماید و یا برای هر شاگرد هدایت می دهد که در یک ورق یک یک حرف الفبا را بنویسید و در آخر آن را روی طناب بند نموده و به حیث مواد از آن استفاده کند.

نصب کردن موادیکه توسط شاگردان ساخته می شود باعث افتخار و بروز شخصیت شان گردیده و هرچه بیشتر به درس علاقمند می گردند و جهت تزئین بیشتر صنف معلمان و شاگردان می توانند از تصاویر جنتری های که تاریخ آن گذشته شده و بعضی تصاویر دیگر استفاده نماید.

یعنی معلم بکوشد که صنف را هم از لحاظ نشستن و هم از لحاظ تزئینی مواد ترتیب و تنظیم نماید. بعضی اوقات خود معلم باعث می گردد که صنف غیر منظم گردد مثلاً : در اخیر صنف شاگردانی که نشسته اند تخته را دیده نتوانسته و هر دقیقه از جای خود برمی خیزند و یا اینکه معلم در جریان درس برای شاگردان می گوید که کتابچه های خود را بکشید همه مصروف ان شده و درصنف غالمغال و سروصدا پیدا می شود. بناءً معلم بکوشد که برای شاگردان قبل از شروع درس هدایت بدهد هر آن چیزیکه در جریان درس ضرورت می شود، پیشروی خود آماده بگذارند و آنگاهی که درصنف جنگ و جدل و دست اندازی و یا بحث رخ می دهد عاجل جای شاگردان را تغییر دهد و بعداً علت را پرسیده حل و فصل نماید تا سکتگی در جریان درس رخ ندهد. بناءً چند مشکل را با راه حل آن ذکر می نماییم.

1- حل مشکلات صنفی:

یکتعداد معلمان در صنف به بعضی مشکلات صنفی روبرو می شوند و باید توسط معلومات مسلکی که دارند آن را حل نمایند. می خواهیم غرض کمک به این نوع معلمان که نیاز به مهارت های حل آن را دارند چند مشکل صنف را بحث نمایم.

1- مشکل در صنف اول:

یک شاگرد در آخر صنف نشسته و به خواب رفته و خرو پف می نماید، معلم می فهمد که این شاگرد از یک فامیل غریب بوده و از جای دور به مکتب می آید، درین حالت معلم چطور می تواند نظم صنف را حفظ نموده و از خنده شاگردان دیگر جلوگیری نماید؟

حل مشکل فوق:

شاگرد را از خواب بیدار نموده و از جایش بلند می کنیم به مهربانی برایش می گویم بروید دست و روی خود را بشوئید و بیائید و بعد از آمدن وی را در قطار اول می نشانیم و هم در فعالیت های درسی وی را زیاد ترسهیم می سازیم. و برای شاگردانی که خنده می نموند توصیه می کنیم که بعد ازین خنده نکنند. و هر گاه شاگرد مذکور این عمل را دوباره تکرار نماید با پدرش تماس می گیریم. تا علت آن را پیدا و چاره سازی شود.

2- مشکل در صنف دوم:

معلم صاحب در صنف مصروف درس دادن است، در این اثنأ یک شاگرد با شاگرد دیگر دست اندازی و شوخی می کند و به درس متوجه نیستند، معلم که این حالت را می بیند چه کند تا این مشکل را حل نماید؟

حل مشکل فوق:

شاگردانی که شوخی می نمودند، آن ها را پیشروی صنف خواسته، علت شوخی را از ایشان می پرسیم و وقتیکه علت معلوم شد، فیصله عادلانه می کنیم، شاگردیکه اول دست اندازی را شروع نموده به لهجه نرم آن را می فهمانیم تا در آینده این کار را نکند و بعد وی را در قطار اول می نشانیم و در فعالیت های درسی زیاد تر وی را مصروف می سازیم. هر گاه این عمل وی دوباره تکرار شود با اداره و فامیل و هم بازی های وی در تماس می شویم. تا علت آن معلوم گردد و بعد مشکل حل شود.

3- مشکل در صنف پنجم:

معلم می خواهد که در آغاز سال تعلیمی امتحان صنفی بگیرد ولی صنف آنقدر تنگ است که امکان دور ماندن چوکی ها و از هم دور شاندن شاگردان موجود نیست و شاگردان از همدیگر نقل می کنند معلم چطور می تواند این مشکل را حل نموده وامتحان بگیرد؟

حل مشکل فوق:

معلم صاحب باید سوال های را دوگروه (الف، ب) بسازد و سوالات هر گروه مختلف باشد. اما سوال ها آن عادلانه باشد یعنی از یک گروه مشکل و ازدیگری آسان نباشد، شاگردان را به قطار های منظم می نشانند و شاگردان قطار ها را به گروه الف و ب تقسیم مینماید، در قدم اول معلم صاحب به شاگردان گروه (الف) سوال خا را داده و برای شان بگوید که ورق سوالات تان را چپه بگذارید و بعد برای شاگردان گروه (ب) سوال ها را گفته و بعد هدایت می دهد، سوالات را حل کنید، هر گاه سوال ها چاپی باشد برای هر گروه شاگردان سوالات مربوط را توزیع نموده، تا آن را حل نمایند.

شاگردان صنف



پلان درسی

پلان وحد درسي و اقسام آن

انسان یک موجود هدفمند و اجتماعی بوده و همیشه در جستجوی طرق و راه های بوده که آن را به خاطر رسیدن به مقاصد خویش طرح ریزی می نماید تا به هدف خود برسد. این کار را در حقیقت پلان گویند. پس گفته می توانیم که پلان عبارت از نقشه، طرح، تدابیر قبلی و ذهنی است که جهت رسیدن به هدف پیش بینی می گردد. هر انسان در زندگی پلان های متفاوت دارد تا برای ادامه زندگی مطلوب برسد، ولی برعکس اگر برای انجام کار و برنامه خویش از تدبیر لازم و سنجش مناسب کار نمی گیرد از یک طرف ممکن به هدف خویش نرسد و از جانب دیگر امکان دارد دچار مشکلات زیاد در جریان کار خود گردد.

چون ما در مورد تعلیم و تربیه بحث می نمایم، چه خوب است که مربی و معلم هم برای انجام وظیفه خویش در بخش تعلیم و تربیه که عبارت از آموزش، تدریس و تربیت اولاد وطن می باشد، پلان های منظم درسی و تربیوی داشته باشد. نخست از همه پلان را تعریف می نمائیم.

تعریف پلان

پلان کلمه فرانسوی است در لغت تدبیر، سنجش، طرح، نقشه و تصمیم گیری برای اجرای یک کار را گویند و در اصطلاح پلان عبارت از طرح و نقشه ذهنی است که برای انجام یک کار، فعالیت های آن را تنظیم می نماید، یا به عباره دیگر طرح و نقشه منظم و منسجم فعالیت های هدفمند را پلان گویند.

فعالیت های تعلیم و تربیه متعدد و متنوع است، معلم که مسؤول و رهنمای این فعالیت ها بوده پس لازم است که برای پیش برد عملیه آموزش و پرورش از همه اولتر برای تدریس خود پلان منظم داشته باشد تا در اجرای وظایف خود ثابت قدم و استوار بوده، از بی ثباتی و پراکنده گی در امان و موفق باشد و از تدریس خود نتیجهٔ مطلوب بدست آورد.

اقسام پلان درسی از لحاظ وقت

بصورت عموم پلان های درسی را از لحاظ وقت به سه نوع ذیل تقسیم نموده اند:

1. پلان درسی طویل المدت (پلان درسی سالانه)
2. پلان درسی متوسط المدت (پلان درسی موضوعی یا فصل وار)
3. پلان درسی قصیر المدت (پلان واحد درسی یا ساعت وار)

طوریکه در فوق نیز گفته شد، بسیار مهم و ضروری است که معلم برای تدریس هر ساعت درسی خود، پلان ساعت وار یا واحد درسی را داشته باشد بناءً لازم است در قدم اول راجع به پلان واحد درسی بحث نمایم.

پلان واحد درسی

پلان درسی یک نوع مهارت خاص مسلکی فردی یک معلم است و می تواند با داشتن این مهارت از پلان درسی مطروحه بحیث یک عنصر مهم و مؤثر تدریس استفاده نماید و معلم در نظر داشته باشد که پلان درسی؛ خاصیت تبادل پذیری دارد، بنابر آن معلم می تواند نوع بهتر آن را طرح و ایجاد نماید و توجه کند که مقاصد و اهداف درسی، استفاده از طرق تدریس، تکتیک های پرسشی، تنظیم صنف و مواد درسی، ارزیابی فعالیت های خود و شاگردان و همه مسایل کلیدی داخل پلان درسی را اساس کار خود قرار می دهد.

تعریف پلان واحد درسی

پلان واحد درسی عبارت از طرح و نقشه منظم ذهنی است که معلم در آن تمام فعالیت های درسی را که او و شاگردانش در همان ساعت درسی اجرا می کند تدبیر و سنجش کرده درج می نماید. و یا به عباره دیگر: پلان درسی عبارت از طرح فعالیت ها، تقسیمات وقت و تهیه مواد جهت حصول اهداف آموزشی است، یعنی وقتیکه معلم می خواهد یک موضوع را برای شاگردان تدریس نماید، به خاطر انتقال آن یک سلسله فعالیت ها را می سنجد و به خاطر تطبیق آن وقت را ملاحظه و تقسیم کرده و مواد مورد ضرورت را تهیه می کند که همین کار در حقیقت پلان معلم یا آمادگی قبلی معلم را نشان می دهد.

هدف از داشتن پلان درسی چیست؟

1. حاکمیت بالای موضوع و دریافت معلومات در قسمت سوال های پیش بینی شده صورت می گیرد. اگر احیاناً معلم بالای درس خودحاکمیت نداشته باشد و در خواندن متن غلطی داشته و در وقت شرح موضوعات خط کتاب را تعقیب نماید و یا به سوالات شاگردان پاسخ داده نتواند، مقام و منزلت خویش را نزد شاگردان از دست داده و گفته هایش تأثیری بالای شاگردان نخواهد داشت.
2. آماده گی معلم از نظر محتوا، وقت، تهیه مواد و انتخاب روش های مناسب صورت می گیرد. طوریکه در ماده قبلی ذکرشد معلم به موضوع درس کاملاً تسلط پیدا کرده و در می یابد که چطور موضوع درسی را تدریس نماید و چه موادی را در زمینه آماده سازد، تا فهم مطلب زود تر و سهلتر صورت گیرد و استفاده از کدام روش ها مناسب بوده تا مرکز فعالیت شاگردان قرار بگیرند، که این کار ، معلم را از سراسیمگی نجات داده و آماده به درس می سازد.
3. نایل شدن به هدف تدریس: معلم موضوع درس را خوانده و هدف برایش می نویسد، به خاطر رسیدن به آن، فعالیت های فوق را سنجیده پلان می نویسد که در نتیجه به هدف تدریس خود نایل می گردد.

خصوصیات پلان واحد درسی

1. پلان درسی باید مختصر و واضح باشد؛ نه آنکه در نوشتن آن وقت زیاد معلم تلف شود و معلم نتواند آمادگی به درس گرفته و آن را به صورت درست کار نماید و یا اینکه بعد از نوشتن یک پلان خسته شده و دیگر کار را نتواند انجام دهد. پلان طرح شده باید واضح باشد، زیرا مقصد از داشتن پلان فقط طرح ریزی پلان نبوده بلکه استفاده مؤثر از آن است. اگر پلان وضاحت نداشته باشد، در وقت استفاده معلم دچار مشکلات گردیده، تسلسل و ارتباط که بین اجزای پلان است برهم خورده و به هدف درسی نایل نمی گردد.
2. فعالیت ها طوری عیار گردد که شاگردان مرکز فعالیت باشند، یعنی شاگردان در پروسه آموزشی فعالانه سهم گرفته و فعالیت های طرح شده در پلان توسط شاگردان اجرا شده و معلم نقش یک رهنما را بازی می کند.
3. بین اجزای پلان ارتباط و تسلسل منطقی وجود داشته باشد، یعنی درس گذشته به درس جدید و درس جدید به تمرینات و خلاصه درسی مرتبط باشد.
4. جهت وضاحت موضوعات مثال ها آورده شود و به زندگی اجتماعی و عوامل طبیعی ارتباط داده شود. مثلاً: اگر موضوع درس معلم اشجار باشد می تواند آن را در طبیعت عملاً مثال داده مؤثریت آن را در زندگی اجتماعی و بروز عوامل طبیعی ارتباط مستقیم بدهد. و یا اگر موضوع درس چرخ باشد، معلم میتواند بر علاوه متن کتاب، چرخ چاه، عراده بایسکل، چرخ تیز کردن کارد و قیچی و دیگر چیز ها را مثال بدهد، مگر در گفتن مثالها باید سطح دانش شاگردان را در نظر داشته باشد، چرا که مثالها جهت وضاحت موضوع گفته میشود نه ایجاد تدریس. اگر معلم یک مثال میدهد و آن مثال برای شاگردان واضح نباشد، بر علاوه ازینکه شاگردان در درس مشکل دارند در فهم مثال ها هم به مشکل رو برو میگردند که دراین جا شاگرد به هردو مشکل رو برو می شود.
5. یک پلان خوب باید انعطاف پذیر باشد، اگر معلم درک کند که فعالیت ها کم بوده و شاگردان به تمرین بیشتر ضرورت دارند و یا فعالیت ها زیاد است و شاگردان درس را گرفته نمی تواند، می توان آن را تغییر داد، یعنی معلم با در نظر گرفتن حالت شاگردان تغییرات لازم در پلان خود آورده و مطابق آن عمل کند. مثلاً: معلم بخاطر تدریس عملیه تقسیم و امتحان آن پلان طرح نموده وقتی در صنف آن را کار می کند در تقسیم نمودن یک عدد بالای یک عدد دیگر شاگردان مشکلات دارند، دراین جا تطبیق مکمل پلان درست نبوده، بلکه مطابق ضرورت شاگرد نیاز به تمرین بیشتر می افتد تا عملیه تقسیم را شاگردان بکلی بفهمند و معلم می تواند قسمت دیگر پلان را در روز دیگر عملی سازد.
6. یک پلان درسی خوب دارای هدف واضح، فعالیت های متنوع، میتود های فعال، تقسیم بندی مناسب وقت، مواد درسی و روشهای مناسب جهت ارزیابی و یا د گیری شاگردان می باشد.

فواید پلان واحد درسی

1. محتویات، مواد و مطالب موضوع درسی را به صورت درست برای توضیح خوبتر تنظیم می کند.
2. در انتخاب روشهای مناسب برای تدریس کمک می نماید.
3. برای سهیم ساختن زیاد شاگردان در فعالیت های درسی زمینه را مساعد می سازد.
4. در تهیه و انتخاب مواد مناسب درسی معلم را وادار و کمک می نماید.
5. در استعمال مواد درسی به موقع مناسب معلم را یاری می دهد و از ضیاع وقت جلو گیری به عمل می اید.
6. معلم با داشتن پلان درسی در تدریس خود مطمئین و آرام می باشد و برای شاگردان نیز مؤثر و مفید تمام می شود.
7. داشتن پلان درسی معلم و شاگردان را کمک می نماید تا درس خود را با علاقمندی و توجه خاص تعقیب و دنبال نمایند.
8. داشتن پلان درسی معلم را کمک می نماید تا زود تر به هدف برسد.
9. به قسم مداوم پلان گذاری روزانه درسی، معلمان را قادر خواهد ساخت تا مشکلات وضعف پروگرام نصاب درسی را پیدا نموده و نظریات مفید خویش را در مورد حل و رفع آن از روی همکاری به مراجع مربوطه پیشنهاد کنند.
10. ساختن پلان های درسی به طور همیشگی به معلمان مساعدت خواهد نمود تا ابتکارات مفید و مؤثری را در ساحهٔ تدریس به میان آورند.

تهیه وترتیب نمودن پلان واحد درسی

در تهیه پلان درسی، هدف و مقصد موضوع درسی، کنترول و تقسیم وقت سطح دانش شاگردان، انتخاب مواد، میتود ها یا روش ها، ارزیابی خود معلم و شاگردان، طبق مشخصات ذیل ساخته می شود و معلم به اطمینان کامل درس می دهد. پلان تمام فعالیت های درسی را تسلسل بخشیده. معلم و شاگردان رابه هدف درس می رساند. معلمان باید مؤثریت پلان را بعد از تطبیق از روی آموزش و یاد گیری شاگردان ارزیابی نمایند.

نکات اساسی در ساختن پلان واحد درسی

معلم باید قبل از ساختن پلان واحد درسی نکات ذیل را در نظر داشته باشد:

1. هدف (مقصد یا مطلب) درس

معلم باید بداند که در تدریس به کجا می روم؟ به سوی هدف یا طرف دیگر؟ اکثراً معلمان پلان درسی را به جمله مختصر و عام شروع می کنند که مطلب یا محتوای درس را شرح می نماید وبعداًموضوعات و عناوین خاص را لست می

نمایند از روی آن مقاصد درسی خود را نوشته می نمایند، اما معلمان و شاگردان هر دو، وقتی در رسیدن به هدف بیشتر مؤثر می باشند. که اجرای هر آنچه که معلمان در آخر درس از شاگردان توقع می نمایند عملاً انجام داده بتوانند.

2. تشخیص سطح دانش یا موقف شاگردان

اگر معلم با شاگردان قبلاً کار نکرده باشد لازم است سطح دانش آن ها را توسط امتحان غیر رسمی یعنی ارزیابی معلوم کند، معلم ورزیده و مجرب این کار را انجام می دهد تا بداند که شاگردان بکدام سطح دانش قرار دارند و از کجا شروع نماید.

3. **تدبیر طرزالعمل درسی و انتخاب روش ها**

سنجش قبلی معلم، را فرصت می دهد که روش ها، میتود ها و مواد مناسب درسی را انتخاب نموده و برای هر موضوع درسی کتاب قبلاً مطابق پلان سالانه و فصل وار برای تدریس ساعت وار اصول های متنوع تدریس را انتخاب نماید.

4. برای اینکه معلوم شود معلم و یا شاگردان هر دو به هدف درس رسیده اند یا خیر؟ لازم است هر نوع پلان درسی دارای تدابیر و تدارکات باشد. حد و اندازه نیل به اهداف را توسط آن بررسی کرده بتواند و این بخش شامل باز رسی فعالیت ها و اجراآت شاگردان، معلم و طرح و دیزاین پلان درسی نیز می باشد.

اجزای مهم پلان واحد درسی بدین قرار می باشد: اهداف، مواد، وقت.

با در نظر داشت تمام اجزای مهم پلان، هر یک از مراحل پلان قرار ذیل توضیح می گردد.

1. هدف یا اهداف

خوبی یک پلان منحصر به داشتن یک هدف خوب است. اگر هدف ما به سطح بلند آموزش باشد یعنی در آن فعالیت هایش مانند: نشان دادن، مقایسه کردن، تشریح کردن، نام گرفتن، تحلیل کردن و تجزیه کردن، جمله ساختن .... باشد، شاگردان به همان اندازه می آموزند، بناءً باید کوشید که هدف خوب و مناسبی را نظر به موضوع درس در پلان بگنجانیم تا سبب آموزش بهتر و بیشتر شاگردان گردیده و زمینه رشد استعداد هایشان را فراهم سازد.

2. مواد

معلم باید بکوشد که در وقت ترتیب پلان، مواد درسی را مطابق موضوع قبلاً تهیه و طریق استفاده آن را امتحان کند. تا در جریان کار دچار مشکلات نگردد. شاید بعضی مواد، مانند کشیدن تصاویر، همان ساعت اجرا گردد مگر معلم باید قبلاً برای کشیدن تصاویر درس جدید آمادگی گرفته باشد.

3. وقت

معلم باید نظر به ساعت درسی و سطح یاد گیری شاگردان وقت را برای محتوای درس در پلان تقسیمات نماید و بیشترین وقت باید غرض پیشکش شدن درس جدید اختصاص داده شود.

مراحل پلان درسی

یک پلان درسی دارای مراحل ذیل است:

1- مرحله مقدمه و آماده گی

2- مرحله پیشکش و انکشاف درس جدید

3- مرحله خاتمه وتحکیم درس

1- مرحله مقدمه و آمادگی درس

این بخش پلان واحد درسی شامل سلام و احوال پرسی، دیدن نظافت، گرفتن حاضری، دیدن کارخانگی، ارزیابی درس گذشته و تولید انگیزه می باشد. موضوعات فوق را معلمان جز عادت خود ساخته و همیشه بدان عمل نمایند ذکر آن در پلان درسی ضروری نیست.

کار خانگی

برای هر موضوع و هر روز دادن کار خانگی برای شاگردان خسته کن بوده و از اهمیت آن کاسته می شود. معلمان در نظر گیرند که کدام موضوع به مشق و تمرین بیشتر ضرورت دارد. تا شاگردان زیاد تر بالای آن کار کنند و آن را بدانند.

علاوه بر دادن کار خانگی، دیدن کار خانگی هم خیلی ها مهم است، معلم باید کار خانگی همه شاگردان را مرور نماید، اگر سوالات حل کردنی باشد، یک شاگرد، سوال را بالای تخته حل کرده و دیگران اصلاح نمایند، اگر استعمال لغات در جملات باشد یک یک شاگرد جمله های خود را خوانده و یا به روی تخته بنویسد. معلم وقتی که وظیفه خانگی می دهد حتما طریق اصلاح آن را در پلان بگنجاند.

ارزیابی درس گذشته

سوال های که مشتمل بر نکات کلیدی درس گذشته بوده و باید شاگردان آن را بدانند تحت عنوان ارزیابی درس گذشته در پلان گنجانیده شود. و معلم می تواند از میتود های مختلف مانند سوال و جواب مسابقه، کار گروهی، کار جوره ای و غیره جهت ارزیابی درس گذشته استفاده نماید.

تولید انگیزه

جهت آماده ساختن شاگردان به درس جدید با دریافت عنوان درس، معلم توسط نشان دادن یک تصویر، گفتن قصه کوتاه، طرح چند سوال... عنوان درس را از شاگردان دریافت می نماید، و معلم باید آن را در پلان بگنجاند تا حین کار دچار مشکل نگردد.

2-مرحله پیشکش و انکشاف درس جدید

این بخش مهم ترین قسمت پلان بوده که عنوان درس معرفی شده و درس جدید آغاز می گردد و معلم درس را از قسمتی که شاگردان می دانند بطرف چیزی که نمی دانند سوق می دهد. و بعضی نکاتی را که شاگردان می دانند ضرور نیست تأکید بیشتر صورت گیرد. معلم باید بیشترین وقت خود را صرف این بخش پلان نموده و میتود های متنوع را استفاده کند تا به هدف برسد و معلم باید آن را در پلان واضح بنویسد.

3- مرحله خاتمهٔ و تحکیم درس (بستن درس)

این بخش پلان شامل منسجم ساختن و یا خلاصه کردن درس جدید ارزیابی نمودن، تمرینات جهت استحکام درس جدید و دادن کار خانگی می باشد.

چون در یک ساعت درسی به خاطر یاد گیری یک موضوع مطالب زیاد بحث گردیده و میتود های مختلفی کار می شود بناءً معلم باید نکات کلیدی درس را بطور خلاصه بگوید و یا اگر خواندن متن و یا شعر باشد و معلم بداند که خواندن وقت زیاد را در بر میگیرد، صرف قسمت های را بخواند که شاگردان در آن مشکلات دارند. معلم نباید درس جدید را یکنواخت ارزیابی نماید، بلکه بعضی تمرینات متفاوتی تهیه نماید که درس را از حالت یکنواخت کشیده، شاگردان مرکز فعالیت قرار گیرند و درس استحکام یابد.

یادداشت های مهم و ضروری

این بخش که خارج از چوکات پلان بوده، معلم در آن تغییراتی را که آنان در تدریس می آورد با ذکر دلیل می نویسد، تا دروس بعدی را با در نظر داشت همان تغییرات پلان کند. مثلاً: در صورت عدم موجودیت وقت کافی برای محتوا، عدم مؤثریت فعالیت و مواد .. بالاخره تمام نظریات مثبت و منفی را در آن می نویسد و بعد نظریات و پیشنهادات را در پلان های بعدی مد نظر گرفته، پلاَن های خوب و مؤثر را نوشته و برای حصول اهداف آموزشی می کوشد.

نمونه های چوکات پلان درسی بسیار زیاد است و هر معلم متواند مطابق دلخواه خود پلان درسی را در یک چوکات مناسب آن ترتیب نماید.

پلان درسی

نمونهٔ الف:

اسم معلم: **موضوع:**

مضمون: **تاریخ:**

صنف: **مکتب:**

اهداف

وقت	محتوی	فعالیت ها و میتود ها	مواد
	1. مقدمه و آمادگی: ▪ **ترتیب و تنظیم صنف** ▪ **ارزیابی درس گذشته** ▪ **تولید انگیزه**		
	2. پیشکش و انکشاف درس جدید: ▪ **معرفی عنوان موضوع درس جدید** ▪ **فعالیت های معلم و شاگردان** ▪ **فعالیت های استحکام آموزش جدید**		
	3. خاتمه درس (بستن درس): ▪ **خلاصه و منسجم ساختن درس جدید** ▪ **ارزیابی درس جدید** ▪ **دادن کارخانگی.**		

یادداشت های مهم و ضروری:

- **ارزیابی:**
- **تبصره:**

چطور میتوان مؤثریت یک پلان درسی را ارزیابی نمود؟

نوشتن و ترتیب دادن پلان کار دشوار نبوده، شاید در آوایل نوشتن آن وقت زیاد بگیرد مگر به مرور زمان معلمان به زودی می توانند پلان تهیه نمایند، ساختن پلان وظیفه معلمان بوده و طرح پلان مؤثر مهارت عمده معلمان میباشد، پلان خوب و مؤثر آن است که سبب یاد گیری بیشتر و خوبتر شاگردان گردد، اکثریت از معلمان در ساختن پلان مشکل دارند، اما بعضی هستند که پلان خوب می نویسند ولی در تطبیق آن موفق نیستند، معلمان باید قادر باشند و خود را ارزیابی نمایند که آیا پلان شان دارای مشکلی است و یا در تطبیق آن توانایی بیشتر ضرورت دارند.

لذا پلان وقتی مؤثر است که موضوع یادگیری شاگرد در آن مطرح باشد، تأکید ما هم به طرح و دیزاین و مفصل بودن پلان نبوده، بلکه مؤثریت از روی آموزش و یادگیری شاگردان ارزیابی خواهد شد. لذا موفقیت معلمان به طرح پلان و ارزیابی پلان شان ارتباط دارد.

مرحله بعد از تطبیق پلان

بعد از تطبیق پلان، معلمان باید پلان خود را ارزیابی نماید که:

1. چه نوع فعالیتی را انجام داده اند؟
2. چقدر شاگردان سهیم بودند؟
3. چقدر شاگردان سوال های را پاسخ گفتند؟
4. چقدر شاگردان سوال کردند؟
5. این فعالیت چقدر وقت را در بر گرفت؟
6. آیا کم و یا زیاد از وقت تعیین شده را گرفت؟
7. تدریس چقدر موفقانه صورت گرفت؟
8. آیا محیط فزیکی صنف مساعد به فعالیت ها بود؟
9. اگر به مشکلی روبر شدند در آینده چطور آن را تنظیم می نمایید؟

سوالات:

1. نکات اساسی در ساختن پلان درسی کدام است؟
2. تشخیص سطح دانش شاگردان چرا برای پلان کردن ضروری است؟
3. مراحل پلان درسی را نام بگیرید؟
4. در بستن درس کدام چیز ها لازم است که انجام گردد؟

5. مؤثریت پلان درسی را چطور ارزیابی نموده می توانیم؟

پیشنهادات برای معلم:

قبل از تهیه پلان درسی معلم باید با خود فکر نماید که: موضوع درس من چیست؟ هدف درس من چه خواهد بود؟ سطح دانش شاگردان من به کدام اندازه است؟ توسط کدام روش ها و مواد می توانم به هدف درس برسیم؟ چه گونه شاگردان را ارزیابی نمایم که به هدف رسیده اند یا نه؟ و هم در تهیه پلان تمام اجزا و مراحل پلان را مد نظر گرفته و پلان خود را تهیه نماید و بعد از تطبیق آن را ارزیابی نماید تا در آینده خوب پلان نموده بتواند.

پلان عمومي (سالانه)

داشتن پلان درسی سالانه، مؤثر وحتمی بوده و تضمین کنندۀ پروسۀ تدریس به صورت بهتر آن در طول سال تعلیمی می باشد و به اساس آن معلم می تواند تمام آماده گی های لازم را مانند:

تمرینات، مشق کردن، تهیۀ مواد، تقسیم وقت ... و غیره را بگیرد.

معلم به وسیلۀ پلان سالانه می تواند در طول سال تعلیمی به شکل آرام بدون کدام ترس ، بی ثباتی و پراکنده گی به تدریس خود ادامه بدهد. پلان سالانه تمام محتویات مضمون را در یک چوکات منظم ساخته و معلم می تواند به اساس آن پلان های روزانه خود را بسازد و به تدریس خود ادامه بدهد.

قسمیکه می دانید جهت رسیدن به هدف داشتن پلان به خاطر انجام فعالیت ها ضروری است چون همه ما و شما معلم هستیم و وظیفه مهم تدریس را به عهده داریم، لذا تهیه نمودن پلان حتمی و ضروری می باشد و ما را در اجرا وظایف تدریسی کمک می نماید، طوریکه قبلاً نیز گفته شد، پلان درسی بصورت عموم از لحاظ وقت به سه نوع است.

1. پلان واحد درسی یا ساعتوار یا روزانه.
2. پلان درسی فصل وار یا ماهوار.
3. پلان عمومی یا سالانه

راجع به پلان ساعتوار یا واحد درسی قبلاً بحث صورت گرفت در اینجا می خواهیم راجع به پلان عمومی یاسالانه قرار ذیل بحث نمایم.

تعریف پلان عمومی (سالانه)

پلان عمومی یا پلان درسی سالانه عبارت از طرح و نقشه همان مفاهیم عمومی بوده که معلم در آن فعالیت های آینده خود را درج و در جریان سال تعلیمی مطابق آن جهت تدریس و به سر رسانیده پروگرام نصاب تعلیمی یک مضمون از آن استفاده

می نمایند. یا به عباره دیگر پلان عمومی عبارت از طرح و دیزاین است که معلم جهت نایل گردیدن به اهداف آموزشی خویش در یک سال تعلیمی فعالیت ها و موضوعات درسی خویش را به اساس درجه مشکل، تشخیص مطالب عمده، متوسط و غیره تنظیم نموده تا بر اساس آن به اهداف نهایی خویش دسترسی حاصل کند.

ساختن پلان عمومی (سالانه)

پلان درسی سالانه قبل از شروع سال تعلیمی یا در روز های اول شروع سال تعلیمی با در نظر داشت ساعات درسی و حجم کتاب توسط معلم تهیه و ترتیب می گردد، که در آن تقسیم بندی همه امکانات مؤثر در تدریس از قبیل سنجش ایام تعلیمی، تعطیل، امتحانات و سایر فعالیت های خارج از صنف و سیر علمی نیز شامل می باشد.

چون پلان عمومی فعالیت های یک ساله معلم را تنظیم نموده و معلم را در تهیه پلان های دیگرش کمک می نماید، یعنی در قدم اول پلان درسی سالانه تهیه شده و بعداً پلان درسی فصل وار و به اساس این دو پلان ما میتوانیم پلان واحد درسی (یا یومیه و ساعت وار) را تهیه نمایم.

فواید ساختن پلان درسی سالانه

1. تقسیم نمودن موضوعات پروگرام درسی به تناسب وقت و ساعات تعیین شده آن.
2. تقسیم و انسجام بخشیدن تدریس طویل المدت.
3. پیش بین بودن برای تهیه نمودن مواد درسی و دریافت منابع دیگر آموزشی و ممد درسی در جریان سال تعلیمی.
4. پیداکردن طریق مناسب و دریافت روشهای خوب و مؤثر تدریس نظر به ارتباط موضوعات و مطالب درسی.
5. واضح و روشن بودن طرزالعمل های مناسب درسی معلم در جریان سال.
6. نگهداشت پروسه منظم و مطمئین آموزش و پرورش که سبب تشویق شاگردان گردیده و از خستگی شان جلوگیری نماید.
7. معلم را کمک مینماید که در جریان سال تعلیمی از بی ثباتی و پراکنده گی موضوعات در امان باشد.
8. معلم را در تطبیق مفردات و به سر رسانیدن پروگرام درسی کمک می کند که نصاب تعلیمی تکمیل شود.
9. در قسمت بر آورده شدن اهداف نصاب تعلیمی معلم و شاگردان به وجه احسن کمک می کند.
10. بلاخره ابتکار و انکشافات بهتر در سیستم پلان گذاری برای آینده ایجاد می نماید.

نکات اساسی در ساختن پلان درسی سالانه

معلم باید در تهیه پلان درسی سالانه نکات ذیل را در نظر بگیرد:

1. برج و ایام سال تعلیمی: باید معلم به رویت جنتری معلوم نماید که یک سال تعلیمی چند ماه و چند روز می شود.
2. ایام تعطیل سال تعلیمی: که عبارت از روز های جمعه، ایام امتحان، رخصتی به خاطر گرمی و سردی هوا، مریضی و رخصتی قانونی معلم.
3. ایام درسی سال تعلیمی: معلم باید دریافت نماید که ایام درسی سال تعلیمی چند روز و چند هفته میشود.
4. صنف، مضمون و صفحات کتاب: صفحات کتاب را در صنف مربوط آن که تدریس می گردد مد نظر گرفته شود.
5. حجم درس دریک ساعات درسی: معلم تقسیمات نماید که دریک ساعت درسی به کدام اندازه تدریس نماید.
6. تقسیم اوقات هفته وار درسی: تعداد ساعات درسی مضمون در هفته مطابق تقسیم اوقات.
7. تعیین و تشخیص درجه مشکل بودن و آسان بودن محتوی هر موضوع و نظربه هر فصل کتاب.
8. در نظر گرفتن سطح دانش شاگردان: اگر موضوع بسیار مشکل باشد نظر به سویه شاگردان برایش وقت زیاد در نظرگرفته شود و اگر موضوع برای شاگردان آسان باشد وقت آن نیز کم شود.
9. ارتباط موضوعات به یکدیگر: معلم باید بداند که موضوعات کتاب از لحاظ محتوی باهم چه رابطه دارد، تسلسل موضوعات برای شاگردان و آموزش آن مفید می باشد.

معلمان باید جهت تشخیص این مطالب قبل از تهیه پلان یکبار کتاب درسی را مرور نموده و موضوعات و عناوین کتاب را نظر به مطالب فوق یاداشت نموده تا بتواند که کدام موضوعات ایجاب فعالیت ها و تمرینات بیشتر را می کند و وقت بیشتر ضرورت دارد.

بناءً معلمان باید در قدم اول جهت ساختن پلان درسی سالانه و تعیین روزها و ساعات درسی با استفاده از جنتری با در نظر گرفتن رخصتی های عمومی و روزهای جمعه و امتحان جدول ذیل را ترتیب نمایند. به طور مثال: مضمون ریاضی صنف اول را مد نظر می گریم که در هفته (5) ساعت درسی تدریس می شود.

آیام نکات مهم که قبل از ساختن پلان درسی عمومی باید در نظر گرفته شود:

شماره	برج	ایام	روز های رخصتی عمومی	روز های جمعه	روز های امتحان	روزهای رخصتی گرمی	روزهای رخصتی و مریضی	روز های درسی	**مجموعه هفته ها: 29**
1	**حمل**	**31**	**2**	**5**	**0**	**0**	**0**	**24**	
2	**ثور**	**31**	**2**	**4**	**0**	**0**	**1**	**24**	مجموعه ساعت درسی: ۲۹(هفته) × ۵ ساعت فی هفته = ۱۴۵+۳ = ۱۴۸ ساعت
3	**جوزا**	**31**	**2**	**5**	**0**	**0**	**2**	**22**	
4	**سرطان**	**31**	**0**	**4**	**10**	**0**	**2**	**15**	
5	**اسد**	**31**	**1**	**4**	**0**	**10**	**0**	**16**	**تعداد صفحات کتاب= 34 صفحه می باشد.**
6	**سنبله**	**31**	**0**	**5**	**0**	**0**	**2**	**24**	
7	**میزان**	**30**	**1**	**4**	**0**	**0**	**1**	**24**	
8	**عقرب**	**30**	**1**	**4**	**0**	**0**	**1**	**24**	هر صفحه در چند ساعت درسی تدریس میشود: ۱۴۸ ساعت ÷ ۳۴ = ۴.۳ ساعت درسی.
9	**قوس**	**15**	**0**	**2**	**10**	**0**	**0**	**3**	
مجموعه	**9 ماه**	**261**	**9**	**37**	**20**	**10**	**9**	**176**	

معلمان می توانند بعد از دریافت نمودن جدول فوق که در آن تعداد ساعات درسی و صفحات کتاب واضح است، با در نظر داشت عوامل فوق دروس مربوط کتاب را مرور نموده و عناوین آن را نزد خویش به درجه مشکل بودن و آسان بودن و هم با اساس مطالب کلیدی و موضوعات تعیین نماید. بعد از آنکه تمام موضوعات کاملاً تشخیص شد، ساعات درسی را در طول سال تعلیمی و هم در طول یک ماه تقسیم و آن را دریک جدول یا فارمت و چوکات درج نموده که به این طور پلان ماهانه و سالانه آن آماده می گردد.

اشکال مختلف و نمونه های متنوع از جدول و چوکات پلآن های سالانه موجود است. معلمان می توانند حسب دلخواه شان آن را طوری ترتیب نماید که مطالب فوق در آن گنجانیده شود. به خاطر وضاحت، در اینجا دو نمونه پلان سالانه آورده شده است.

نمونه الف:

جدول پلان عمومی سالانه مضمون (   ) صنف (   ) سال تعلیمی (   ):

شماره	موضوعات کتاب	درجه مشکل بودن	نمبر صفحات کتاب	تعداد ساعات درسی	ماه	ملاحظات

نمونه ب:

جدول پلان عمومی مضمون (   ) صنف (   ) سال تعلیمی (   ):

برج		حمل				ثور				جوزا				سرطان				اسد				سنبله				میزان				عقرب				قوس				مجموعه ساعات
هفته ها / ایام تاریخ و ساعات		1	2	3	4	1	2	3	4	1	2	3	4	1	2	3	4	1	2	3	4	1	2	3	4	1	2	3	4	1	2	3	4	1	2	3	4	
یکشنبه	تاریخ																																					
	ساعات																																					
دوشنبه	تاریخ																																					
	ساعات																																					
سه شنبه	تاریخ																																					
	ساعات																																					
چهار شنبه	تاریخ																																					
	ساعات																																					
پنجشنبه	تاریخ																																					
	ساعات																																					
مجموعه																																						

سوالات:

1. پلان درسی به چند نوع است؟
2. پلان درسی سالانه را تعریف نمایید؟
3. فواید ساختن پلان درسی عمومی را بگویید؟
4. نکات اساسی در ساختن پلان سالانه کدام ها است؟

پیشنهادها برای معلم

معلمان می توانند به کمک جدول نمونه الف و ب پلان عمومی سالانه خویش را به طور مشرح مطابق ساعات درسی آن ترتیب نمایند. بعد از اینکه پلان درسی سالانه را ترتیب نمودند می توانند پلان درسی ساعت وار خویش را به اساس آن به آسانی آماده سازند، زیرا تعداد ساعات درسی و موضوع درسی در آن مشخص می باشد معلم می تواند به خاطر آرام کار و فعالیت های مربوط به هر درس که جهت استحکام و مشق و تمرین بیشتر ضرورت باشد به اساس ساعات درسی خویش در آن عیار سازد.

باید یاد آور شد، معلمان که عین مضمون را تدریس می نماید، می توانند در وقت تهیه پلان سالانه خویش باهم مشوره نمایند که این کار سبب هم آهنگی کار و فعالیت در صنوف مختلف در سطح مکتب می گردد.

همچنان ارتباط معلمان مضامین مختلف نیز در قسمت کار و فعالیت های شان می تواند وجه مشترک را در امور تدریسی به وجود آورده و شاگردان، این ارتباط را میان مضامین مختلف خویش احساس خواهند کرد.

ارزيابي

ارزیابی و جوانب مختلف آن

ازلحاظ معنی، ارزیابی عبارت از اندازه گیری می باشد، اما در تعلیم وتربیه، به طور عموم، ارزیابی وسیله است که توسط آن بدانیم که آیا شاگردان مابه نحو مطلوب آموخته اند و یا خیر؟ در تدریس مروج، از طریق ارزیابی معمولاً معلمان می خواهند دریابند که شاگرد لایق و شاگردیکه نیاز به کمک داردیا کامیاب و ناکام کدام ها اند وبس. در عین حال امتحان فقط محض یک وسیله ارزیابی به شمار می آید . معمولاً آموزش صرف از طریق تدریس توسط معلم مورد تأئید می باشد. معلمان عزیزما بهتر میدانند که در پروسه آموزش مؤثر و فعال، تدریس، صرف وسیله انتقال دانش نبوده بلکه بر علاوه جهت آموزش هر چه بیشتر و مؤثر زمینه ها و فرصت های مساعد را مهیا می نماید. با در نظر داشت این موضوع، در ارزیابی معلمان باید بالای تمام آن عوامل که بالای آموزش اثر می گذارند تأکید نمایند.

هدف اساسی ارزیابی این است تا معلمان ما بدانند که چطور بدانیم که تمام شاگردان ما آموخته اند؟ بنابرین ارزیابی باید یک پروسه روزمره و دوامدار باشد که برعلاوه آموزش شاگردان، جوانب مختلف تدریس و عوامل مؤثر در پروسه تدریس و همچنان تمام جوانب مربوط به شاگردان وصنف نیز بالنوبه ارزیابی گردد. بناءً معلم تمام جوانب ذیل را باید مورد ارزیابی قرار دهد:

- دست آورد های آموزشی شاگردان: در آخر هر درس معلم مطابق اهداف درس باید دریابد که آیا اهداف معینه حاصل گردیده است و یا خیر؟
- ارزیابی موضوع مشخص درس: چرا باید این درس ارائه گردد؟ آیا شاگردان برای آموزش آن آماده اند؟
- ارزیابی طریقه ها تدریس: باید پرسید که چرا بعضی شاگردان آموختند ولی بعضی دیگر نیاموختند؟ آیا آن ها به آسانی آموختند؟ ویا میتوانیم آن ها را به طریقه دیگر تدریس نماییم تا تمام شاگردان به سهولت و خوبتر بیاموزند.
- ارزیابی مواد آموزشی: بعضی اوقات محتوی کتب درسی مشکل بوده و یا ارتباط منطقی نداشته. همچنان بعضاً استفاده از مواد متنوع امکان پذیر می باشد، پس باید این را دانست که کدام نوع مواد را متناسباً بکار برد و باید دانست که کدام مواد به ارتباط درس کار آمد می باشد.

معلمان گرامی: آیا تمام شاگردان دارای لیاقت برابر و مشابه اند؟ چطور می دانید؟ اگر یکی از شاگردان شما چیزی نیاموخت، مقصر کیست؟ شاگردان، خود شما و یا والدین،چرا؟

به خاطر داشته باشید که هر کس توانائی آموختن را دارد ولی به طریقه های مختلف. و شاگردان از لحاظ سرعت آموزش از هم فرق دارند.

ارزیابی اهداف آموزشی یک درس

وقتی که اهداف آموزشی یک درس معین و مشخص می گردد، طرق و راه های اندازه کردن آن ها را نیز باید جستجو نمود. اهداف درس می توانند حصول معلومات، کسب مهارت و یا هم حصول و پیدا نمودن یک ذهنیت باشد. ارزیابی در آخر ساعت درسی نیز باید اهداف را در بر داشته باشد.

مثال های چند از طریق ارزیابی یک درس قرار ذیل می تواند باشند:

1. توسط سوال های ساده؛ مثلا معنی واژه، واژه مشابه و متضاد و غیره. این کار را هم میتوان به طریقه های مختلف انجام داد، مثلاً یا معلم از یک شاگرد سوال می کند و یا به گروه های شاگردان یک وظیفه داده می شود و غیره.
2. فعالیت های که به خاطر تحکیم آموزش اجرا می گردد، نیز می توان برای ارزیابی به کار برد، مثلاً تمثیل کردن، ساختن سوال ها از متن توسط شاگردان، به عبارت دیگر گفتن، قصه ساختن، تکمیل کردن قصه و غیره.
3. اجرا کردن عملی، تکمیل کردن، نتیجه گیری کردن، مقایسه کردن، پیداکردن نمونه ها وغیره.

ارزیابی درس(تدریس) خود معلم

"معلمان گرامی! معنی مقوله ذیل چه است":

«در تدریس یا اینکه هر دو جهت (معلم و شاگرد) می آموزند و یا یکی از آن ها هم نمی آموزند.»

طوریکه قبلاً ذکر شد، اگر همه و یایک تعداد از شاگردان درس را نیاموخته باشند، به ان معنی نیست که ایشان توانائی آموزش را ندارند، بلکه در این صورت معلم باید متوجه خود شده و بگوید که ممکن نقص در تدریس خودم بوده باشد. چطور باید تدریس می کردم که همه شاگردان می آموختند؟ به عبارت دیگر معلم باید تدریس خویش را ارزیابی نماید. غرض ارزیابی تدریس خویش سوالات مانند ذیل را جواب بگوید:

- همه شاگردان به آسانی آموختند یانه؟ چرا؟
- چطور فهمیدید که ایشان به آسانی فهمیدند و آموختند؟
- آیا موضوع و روش های تدریس مناسب بودند؟
- چطور می توانستم که به شکل دیگر تدریس کنم تا شاگردانم به آسانی می آموختند؟
- اگر این تجربه (به این قسم تدریس) موفق بود، باید به معلمان دیگر نیز گفته شود؟
- چطور می توانم بفهمم که شاگردان به کدام قسم تدریس خوشحال می شوند و به آسانی یاد می گرند؟ و غیره.

مأخذ

گرفته شده از:

مواد مطالعه برای معلمان INSET-1 ریاست عمومی تربیه معلم میزان 1388 هـ ش